

ولی فرزند نشد. و همینطور عرض میکنم که نطق آقای کازرونی هیچ طرف انتظار نبود در جای تأسف بود که در مقابل یک هم‌چو قانونی اظهار مخالفت بشود.

ولی بطور خلاصه عرض میکنم که این ترتیب ب نتیجه حاضر قابل ادامه نیست و شش ماه شاید بگذرد که نمیتوانیم از روی نتیجه نفرات بگیریم و صلح هم بی‌ربان نیست.

همین دو اصل را در نظر بگیریم؛ شش ماه این هم بنده عرض نمی‌کنم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. (بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی می‌گیریم. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است. رأی می‌گیریم برای دخول در شور و مواد. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از تسامات مجدد تشکیل گردید)

رئیس - ماده اول قرائت میشود. (شرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - کلیه اتباع دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قریبات و قراعه و ایالات بخدمت سربازی مکلف میشوند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - ما میخواهیم قشون اجباری شود برای اینکه دولت عهد نظامی و پاسبان و ذخیره بقدر احتیاج داشته باشد و البته بنای قانون از بدو اسلام هم همین طور بوده برای اینکه اگر این حکم نظامی بودن و سربازی شدن عدل است تعلق بهم داشته باشد و اگر ظلم است ظلم بالنسبه هم عدل است. بعقیده بنده تنها اجباری بودن قشون کافی نیست.

برای اینکه دولت بتواند احتیاجات خودش را اداره کند بلکه علاوه بر نظام اجباری یک ترتیبی هم باید در ضمن باشد که مرکب شود از خوف و طمع.

مثلا سربازو تا بین را به اندازه حقوق بدهد که کفایت مخارجش را بکنند بنابراین باید دولت از بعضی محلها نگاهداری حقوق سربازو تا بین بپردازد تا آنها هم بتوانند امور معاش خود را هم ادا کنند و همچنین جامعه باید از آنها قدرشناسی کند و یک احتراماتی بخصوص برای افراد یست سربازو قائل شود تا اینکه این در وقت موجب تشویق مردم شود و علاوه بر اینکه اجباری است خود مردم هم یک ر

داشته باشند و الا همیشه دولت محتاج میشود فراری را حقیقت کند بطوریکه علاوه تا بحال دیده نشده و برخلاف احساسات آقای کازرونی بنده معتقدم که خدمت قشونی بزرگترین خدمت است.

برای اینکه حضرت امیر بفرماید ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتح الله لفاصة اولیایه

حضرت امیر علیه السلام این قسمت را اختصاص میدهد از برای خواص مردم - نه مردم یست و خیلی شغل بزرگی است و با شرافت ترین کارها است.

دیگر اینکه بنده در این ماده معتقدم که باید بین قوا و حکومت یک تناسب باشد و سنخیت بین علت و معلول معروف است و لازم است.

یعنی همانطور که قشون باید متعدد - الشکل باشد همانطور باید متعدد الفکر هم باشد.

متعدد الفکر بودن قشون موقوف بر این است که از کلیه اتباع مملکت سواى ملل متنوعه سرباز گرفته شود برای اینکه ملل ملل متنوعه در امان و تأمین حکومت اسلام هستند و قوای اسلامی همده دار حفظ ملل متنوعه است و در ممالک اسلامی اسلام بعهد گرفته است که آنها را حفظ کند و حواشی آنها را در مقابل يك مبلغ مالی ادا کند و عملا هم ب تجربه ثابت شده است و در جنگ بین المللی دیده شد.

وقتی که روح قشون با روح حکومت مخالف بود ب نفع حکومت خانه بیدارافت مثلا قشونی که عثمانیها از او زنده داشتند ب نفع عثمانیها خانه بیدا نکرد.

رئیس - بگذردی ملاحظه کنید چرا ملاحظه نمی‌کنید.

دامغانی - بالاخره بنده معتقدم باینکه حکومت اسلام عهده دار حفظ ملل متنوعه است و بایستی از آنها سرباز نگرفته و در عوض مساعدت مالی نمایاند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرض ندارم. **رئیس** - آقای مدرس - (اجازه)

مدرس - همین قسمتی که آقای رئیس غالباً میفرمودند بعضی مطالب راجع ب کلیات را در ماده اول می‌شود مذاکره کرد من هم چون حال اقتضا ندارد همیشه بگزارم در ماده اول بعضی هرايش را بر سبیل اقتضا عرض میکنم.

عقیده من اینست که قشون همومی را تمام دنیا از اسلام انتظار دارند و آنها که در تاریخ دیده اند میدانند روز اولی که پیغمبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد یکی از احکامی که آورد

جهاد بود یعنی در هزار و سیصد سال قبل پس تاریخ نشان میدهد که در هزار و سیصد سال قبل قشون عمومی و اجباری بوده است و این مسئله است که آقایانی که اهل فقه هستند میدانند که يك بابی از ابواب کتب ماسبق و رها شده است.

یعنی مشق کردن ب تیراندازی و اسب سواری این البته بقتضای آن روز بوده است و سواری و تیراندازی شخصی را از برای علم جنگ مهیا کرده است. ولی اگر امروز کتاب بنویسیم می نویسیم بطیاره سواری.

پس باید عموم مسلمین مهیا باشند از برای اینکه اگر اتفاقی افتاد بتوانند دفاع کنند و اگر اتفاق بیفتد جهاد هم بتوانند بکنند.

چون عقیده ما در زمان غیبت دفاع است و در زمان غیبت ما عقیده بجهاد نداریم.

یعنی حمله ب عقیده نمی‌کنیم اما هر کس با حمله کند همان قسم که بر هر مکلفی نماز واجب است واجب هم هست که دفاع کند.

(جمعی از نمایندگان - صیحه است)

بنام علیها هر مسلمانی که عقیده بنماز و حسن و زکوٰه حج دارد باید بجهاد و دفاع عقیده داشته باشد و این عقیده هم همی بطوری فایده ندارد که من عقیده داشته باشم اگر دزد خانه ام آمد در بروم - اینکه فایده ندارد باید یاد بگیریم که در نروم حالا اگر آقایان در اینجا تأمل دارند و می‌فرمایند که آن چند تا دیگر را باید یاد گرفت.

اما این یکی را نباید یاد گرفت هر وقت دشمن آمد آن وقت آدم در برود. بنده عقیده ام این است که هر کس صاحب این عقیده باشد منکر ضروری از ضروریات دین اسلام است.

یعنی کافر است پس باید آن را هم یاد بگیریم و مسئله که آقایان فرمودند که يك قسمتی را یاد بگیریم و يك قسمتی را یاد نگیریم اینطور نیست و آن وقتی که بنیچه را قراردادند که اجباری خصوصی باشد یا شاید قدرت نداشتند و یا اگر قدرت داشتند چون مردم مهیا نبودند نمیشد است.

لکن امروز من عقیده ام این است که مردم هم مهیا هستند چون دیده اند که اکثر بلکه تمام دنیا بده هستند من را برون آن جا هارفته ام.

ولی اینها که می‌شوم می‌گویند همه مردم بده هستند.

ما هم می‌فرماییم بلد ایم. حالا اگر آقایان طریقی برای این که همه جنگ کردن را بلد باشند غیر از این طریقی در نظر دارند همان را پیشنهاد میکنند برای اینکه مقصد این است که همه

یاد بگیرند. همه بده هستند. چون من دشتی و دشتستان بودم دیدم که مردم آن جا همه اسب سواری و تیراندازی را بلد هستند.

اما طهرانیها هیچکدام بلد نیستند باید یاد بگیرند و برای همه هم اسباب زحمت است و از حالا باید شروع کرد تا در ظرف ده یا پانزده سال دیگر که ماهنامه مردم ایم آن وقت همه این قسمت را بلد باشند و باین قسمت دین لا اقل عمل بکنند.

باقی قسمت ها را اگر مسامحه میکنند این يك قسمت را بجهت دینشان و مملکت شان و استقلالشان بالاتر بگیریم بجهت بنیه شان و استقلالشان خوب است عمل کنند.

همه اینها حکمت های حق العاد دارد و اختصاص بیک حکمت و دو حکمت ندارد و در بعضی فرمایشاتی که بعضی از آقایان فرمودند البته بقتضای مذاکرات فرمودند.

شاهزاده سلیمان میرزا بودند در قصر شیرین حساب کردیم که خارج يك فوج قشون داوطلب ماساوی با مخارج ۶ فوج قشون عثمانی بود چون آن روز ما هم داخل کابل و اهل چنگ بودیم و بدقت حساب کردیم دیدیم که مخارج يك فوج زاندارم مساوی با مخارج شش فوج قشون عثمانی بود.

دارطلب معنایش این است که هر چه پول زیاد تر بدهند می آید و فرودام که داش نمیخواهد نمی آید وقتی که ما جنگ نداریم بقدری داوطلب جمع میشود که اما اگر صدای شیور بلند شد صبح که رئیس قشون یا صاحب منصب بیدار می شود خودش است و اسبش.

چرا اینطور است؟ برای اینکه دارطلب است. این را باید ایرانی ها بدانند که تکلیف بعضی من که وطن را خیلی هم دوست دارم این است که اینطور عمل مکنم و وطن پرست هم آن است که بنده عرض می کنم ما میخواهیم مملکتان و دیوار نوی بشود.

کاری هم بکسی نداریم اما اگر کسی کار بدارد داشته باشد بتوانیم در نرویم.

این مقصود اصلی است. پس بنام علیها اگر آقایان طریقی بهتری در نظر داشته باشند مکن است بفرمایند.

امامان پس خیال بکنند این طریقی خوب طریقی است و این لواهی را که می‌نوشتند (بر نغز و در بهشت دولت) حتی لواهی را هم که فضلا می‌نویسند وقتی که آدم نکند می کند می بیند که خیلی اشکار دارد. لیکن از باب اتفاق نمیدانم چطور

شده و ازدهای کی بوده است. از اقدام کی بود است که این لایحه نوشته شده است و من آن را مطالعه کردم دیدم کم اشکال است و تعجب کردم رگفتم شاید اساتیدی در کار بوده اند که ما آنها را نمی شناسیم و خیلی مهارت داشته اند از این جهت من موافقم و گمان می‌کنم بآن ترتیبی که در نظر است اگر دولت موفق بشود آن ترتیب را اجراء کند خیلی خوب است و آن ترتیب این است جوان هائی که می‌روند بزرگساله دو چیزشان محفوظ باشد.

یکی صحبتشان که خیلی مهم است و یکی هم اخلاقشان. اگر این دو کار را کردیم بهترین قسمی است که از برای مملکت برداشته ایم و این کار بسیار خوب است. چه عیب دارد که سرباز زیر اسلحه بزود آید ششها بجا عکس و شکل حضرت امیر را کوبیده اندی شمشیر دیده اند؟

بنده گمان می‌کنم خیلی کم جانی دیده شده است که شکل حضرت امیر باشد و بی شمشیر باشد.

آخر آنها که شمشیر داشته اند این تعلیم است برای ما که ما هم برداریم پس عیب و عار نیست بلکه فخر است که این کار را بکنیم.

و البته مجلس شورای ملی و دولت های ما باید مراقبت کامل داشته باشند که اخلاق آنها محفوظ باشد حیثیتشان هم محفوظ باشد.

البته می‌روند مشق می‌کنند و علم پیدای می‌کنند.

لیکن شمشیر عرض می‌کنم که این تکلیف بر مسلمانان واجب است چون دیدیم بعضی از آقایان نظرشان بر غیر مسلمین هم هست عرض می‌کنم بر غیر مسلمان واجب نیست.

پیشنهاد آقایان حاج سیدالمحققین و لدی الاقتضا ممکن است دولت آن ها را استخدام کند.

اما اگر بخواهند نوی سرشان بزنند و آنها را بیاروند اقتضا ندارد آن کسی که را که باید نوی سرش بزنند و وارد کنند مسلمان است که اگر بتکلیف عمل نکرد باید اجازت او را آورد.

اما غیر مسلمان که تبعه ایران هستند مجبور نخواهند بود دولت لدی الاقتضا می تواند آنها را استخدام کند.

اما اگر او حاضر نشود دولت نمی تواند مجبورش کند.

و این یکی از فلسفه های بزرگی است بجهت مراعات آنها.

حالا می بینم آقایان دست می‌زنند بخیالشان بر خلاف ترتیب است خیر این فوق عدالت است بلکه خیلی فضل است که نسبت ب ما این را احیاء کرده است و نسبت ب آنها اجبار نکرده است این است عقیده من ب پیش نهادی هم در این زمینه کرده ام.

رئیس الوزرا عرض فرمایند اشکالات آقای مدرس روی دواصل بود.

یکی از نقطه نظر حفظ الصحه و اخلاق. البته آقایان تصدیق خواهند کرد در وضع قشون امروزه این دو نکته خیلی مراعات شده است.

و علاوه در همین قانون هم قید شده است.

قسمت دوم راجع بملل متنوعه فرمودند که آنها مجبورند نیستند البته منظور آقای مدرس این است که این افتخار نصیب مسلمان ها باشد و بنده تصدیق می‌کنم که آنها نباید مجبور باشند.

ولی در مواقع لزوم باید در خدمت قشون بیایند. (بعضی از نمایندگان - صیحه است)

و البته در خدمت های پائین تری که کمتر از صف است داخل می‌شوند. (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

آخر آنها که شمشیر داشته اند این تعلیم است برای ما که ما هم برداریم پس عیب و عار نیست بلکه فخر است که این کار را بکنیم.

و البته مجلس شورای ملی و دولت های ما باید مراقبت کامل داشته باشند که اخلاق آنها محفوظ باشد حیثیتشان هم محفوظ باشد.

البته می‌روند مشق می‌کنند و علم پیدای می‌کنند.

لیکن شمشیر عرض می‌کنم که این تکلیف بر مسلمانان واجب است چون دیدیم بعضی از آقایان نظرشان بر غیر مسلمین هم هست عرض می‌کنم بر غیر مسلمان واجب نیست.

پیشنهاد آقایان حاج سیدالمحققین و لدی الاقتضا ممکن است دولت آن ها را استخدام کند.

اما اگر بخواهند نوی سرشان بزنند و آنها را بیاروند اقتضا ندارد آن کسی که را که باید نوی سرش بزنند و وارد کنند مسلمان است که اگر بتکلیف عمل نکرد باید اجازت او را آورد.

اما غیر مسلمان که تبعه ایران هستند مجبور نخواهند بود دولت لدی الاقتضا می تواند آنها را استخدام کند.

اما اگر او حاضر نشود دولت نمی تواند مجبورش کند.

و این یکی از فلسفه های بزرگی است بجهت مراعات آنها.

حالا می بینم آقایان دست می‌زنند بخیالشان بر خلاف ترتیب است خیر این فوق عدالت است بلکه خیلی فضل است که نسبت ب ما این را احیاء کرده است و نسبت ب آنها اجبار نکرده است این است عقیده من ب پیش نهادی هم در این زمینه کرده ام.

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود:

کلیه اتباع مسلمان ایران اعم از سکنه شهرها و قریبات و قراعه و ایالات بخدمت سربازی مکلف میشوند و سایر اتباع لدی الاقتضا استخدام خواهند شد.

پیشنهاد آقای استوان ماده اول اینطور نوشته شود:

کلیه اتباع ایران بخدمت سربازی مکلف می‌باشند.

رئیس - ماده دوم: (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - خدمت سربازی از سن ۲۱ سالگی شروع شده و در ۴۵ سالگی خاتمه می‌یابد و این ۲۵ سال سه دوره تقسیم میشود.

دوره اول خدمت نظامی و مدت آن ۶ سال است دوسال اول تحت سلاح و ۴ سال بعد احتیاط.

دوره دوم - ذخیره و مدت آن ۱۳ سال است.

شش سال اول ذخیره مهم و ۷ سال دوم ذخیره تالی.

دوره سوم - پاسبان و مدت آن شش سال است.

تیسره - در حوزه ای که تحریر نفوس و قانون سجل احوال اجراء شود سپس سربازی اجباری شروع خواهد شد.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - در اینجا ابتدای خدمت سربازی را از ۲۱ سالگی گرفته اند و بعقیده بنده کم است برای اینکه در سن ۲۱ سالگی هنوز بنیه شخصی بطوری قوی نیست که بتواند از عهده وظایف نظامی بر آید و بنده معتقدم که باید ابتدای خدمت را از سن ۲۵ سالگی گرفت ۶ سال دوره خدمت نظامی ۸ سال برای ذخیره و شش سال هم دوره پاسبان باشد.

ثانیاً بگذردی این ماده مجمل است هیچ در اینجا پیش بینی نشده است که بعد از اینکه این قانون تصویب شد اشخاصی که سستان ۲۵ سال یا ۳۵ است یا در بین این سنوات واقفند تکلیف آنها چیست اگر اینها بنا باشد سرباز شوند دوره خدمت و ذخیره و پاسبانان چه قدر است؟ و دیگر در اینجا در تبصره نوشته است (در حوزه که تحریر نفوس و قانون سجل احوال اجراء شود سپس سربازی اجباری شروع خواهد شد)

البته قانون سجل احوال در تمام مملکت یکمرتبه اجراء خواهد شد و بطور اختلاف اجراء خواهد شد در اینصورت آنجا هائی که شروع شده و عقب مانده در آن نقاط تکلیف سرباز چه خواهد شد؟

آیا باز از روی نتیجه ندیم است از روی این قانون؟ خوب است آقای مغیر توضیح

بدهند.

مغیر - اولاً راجع بسن که فرمودید عرض میکنم همان ۲۱ سال است چون در سن این تمام قوا بدن از حیث رشد در حد حالت تکمیل است و از نقطه نظر طبی هم در سن ۲۱ سالگی شخص می تواند مواجه با سختی ها و کار های نظامی بشود و يك نکته دیگر هم که باید گفته شود.

این است که چون خدمت سربازی را همه مکلفند باید قبل از اینکه يك کاری را پیدا کرده باشند این دین خود را اداء کنند و بعد داخل در مراحل زندگی خاصی بشوند و اینکه آقای دامغانی فرمودند این ماهه مجمل است و اشخاصی که متجاوز از بیست و يك سال دارند چه خواهد شد؟

البته این قانون قاطع است و پس از گذشتن این قانون شامل اشخاصی است که ۲۱ سال دارند و آنها هم که ۲۳ و ۲۴ سال دارند از این قانون خارج هستند و البته تصدیق میفرمایند تا خدمت اولیه را نکرده باشند قادر باینکه داخل در احتیاط و ذخیره باشند نخواهند بود.

مطلب دیگری که فرمودند که آقایاس از تحریر نفوس و اجراء سجل احوال تکلیف چه خواهد بود؟

عرض میکنم در نقاطی که سجل احوال جاری نشده است بهمین ترتیب حاضره اجراء خواهد شد.

و تالین قانون کاملاً اجراء شود ترتیبات اولیه ملغی نخواهد شد.

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - توضیحاتی که آقای مغیر دادند را جمع ب اعتراضات آقای دامغانی بنده را که متقاعد نکرد بنده هم پاسبان هم عقیده هستم که باید سن سربازان ۲۵ سالگی باشد و بنده نمیخواهم توضیحاتی در این مسئله بدهم.

سن سرباز باید از ۲۵ سال شروع شود و اشخاص ۲۱ ساله هنوز اعضاء بدنی شان درست قرص و محکم نشده و نمی شود آنها را بخدمت نظامی واداشت و البته آقایان متوجه نکاتی هستند و بیش از این بنده نمی خواهم توضیح بدهم و باز مکرر عرض می کنم که سن ۲۵ سالگی باشد نه از ۲۱ سالگی.

اعتراض دیگری که آقای دامغانی فرمودند این بود که اشخاصی که سن آنها از ۲۱ سال متجاوز است مثلا در سن ۲۲ یا ۲۷ هستند تکلیفشان چیست؟

آیا آنها را بخدمت نظامی می برند یا غیر؟

مطابق توضیحات آقای مغیر آنها را بخدمت نظامی دعوت نمیکنند و این بعقیده من موجب يك فترتی در امور نظامی میشود.

تدین-باید آید...
 یاسائی-بنده حالا توضیح می‌دهم که...
 مطابقت این قانون شامبخوارها با اصول...
 نتیجه را انگاه کنید وقتی که الفاء...
 آنوقت موافقت این ترتیب باید رفتار کنید...
 فرض بفرمائید سر باز دامغانی که الان سر...
 خدمت است، با صندوق است و پنج نفر مشغول...
 خدمت هستند...
 دوره خدمت شان ۳ ساله است...
 دو سال و نیم گذشته است...
 می‌شوند...
 خوب حالا که مرخص شدند آنوقت...
 شامبخوارها از دامغان مطابق این قانون...
 نظامی بگیرند...
 یعنی از اشخاص ۲۱ ساله آیا اینها...
 بهر طرف و جهت می‌خورند...
 خیر زیرا باید سر باز دورها را...
 طی کند و بیرونش کند تا بتواند خدمات...
 نظامی را انجام دهد...
 پس بعقد بنده این مسئله موجب اختلال...
 میشود و باید پیش بینی کرد و بعقد بنده...
 باید از اشخاصی که از ۲۵ سال سنشان...
 شروع میشود تا سال آنها بتدریج خدمت...
 شوند تا اینکه بجای افرادی که فعلا مطابق...
 بنیجه حاضر خدمت هستند بتوانند از یک...
 خاست دیگری کاملا صلاحیت قشونی را...
 دارا باشند تهیه کنند والا اگر نباشد که یک...
 عده اشخاص ۲۱ ساله بیاورد و در نظام...
 کتیب بنده نمی‌دانم چه صورتی بدهم...
 رئیس الوزرا این تعیین سنی که برای...
 سر بازی عمومی شده است حدا کثرت...
 که مطابق قوانین تمام دنیا منظور داشته‌ایم...
 و در سایر نقاط در مواقع لزوم از ۱۶ سالگی...
 و ۱۷ سالگی و در مواقع عادی از ۱۸...
 سالگی سر باز می‌گیرند و ۲۱ سال حدا کثر...
 است و بالاتر از آنهم از نقطه نظر نظامی...
 وضعی صلاح نیست...
 جمعی از نمایندگان مذاکرات...
 کافی است...
 رئیس-بیشهادها قرائت میشود...
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بیشهاد آقای مدبر الملک...
 بنده بیشهاد میکنم در ماده دو...
 بجای ۲۱ سال ۲۲ سال نوشته شود...
 بیشهاد آقای میرزا آقاخان...
 نظر باینکه دوره تحصیل را تمام نکرده...
 لذا بیشهاد میکنم از بیست و پنج سالگی...
 شروع شود...
 بیشهاد آقای محمدولی میرزا...
 بیشهاد میکنم در ماده ۲۰ از سن ۲۰...
 سال باشد...
 بیشهاد آقای طهرانی...
 این بنده بیشهاد می‌نمایم که عبارت...
 باین طریق اصلاح شود که پس از تمام شدن...
 بیست سال شش ماه مدت سر بازی شروع شود...

الی آخر...
 بیشهاد آقای کازرونی...
 بنده بیشهاد میکنم ماده دوم اینطور...
 اصلاح شود...
 سر باز گیری از سن ۲۵ سالگی شروع...
 میشود الی آخر...
 رئیس-ماده سوم قرائت میشود...
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۳- ترتیب احضار هر یک از دوره...
 های سه گانه مذکور در ماده دوم مطابق...
 نظامنامه تجهیزات عمومی وزارت جنگ...
 معین خواهد شد و در مواقعی که تجهیز جزو...
 احضار قسمتی از قشون را ضرورت ایجاد...
 نماید از دوره احتیاط شروع و بیاسیان ختم...
 خواهد شد...
 رئیس- آقای دامغانی...
 (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی عرضی ندارم...
 رئیس- آقای یاسائی...
 (اجازه)
 یاسائی- عرضی ندارم...
 رئیس- آقای طهرانی...
 (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی- مرضی...
 ندارم...
 رئیس- آقای دستغیب...
 (اجازه)
 دستغیب- عرضی ندارم...
 رئیس- معالی نفی ندارد ماده چهارم...
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۴- مملکت ایران ۶۶ ناحیه سر باز...
 گیری مطابق تشکیلات قشونی تقسیم...
 می‌گردد...
 رئیس- معالی نفی دارد؟
 شریعتمدار دامغانی- بنده مخالفم...
 رئیس- بفرمائید...
 شریعتمدار دامغانی- البته این ۶۶ ناحیه...
 که در اینجا سر باز گیری فرض شده طوری...
 نیست که سر باز هائی را که در محل می‌خواهند...
 بگیرند همه را بیاورند در آن ناحیه بایستی...
 مأمورینی داشته باشند که حوزه‌های جزئی...
 تشکیل بدهند که در همان حوزه‌های جزء...
 سر باز ها را تهیه کنند و هر کس هم که...
 قرعه بنام او آمد برای سر باز گیری جلب...
 شود و بنده عقیده دارم که باید یک ضمیمه...
 در این ماده باشد که مملکت ایران بشش...
 ناحیه سر باز گیری مطابق تقسیمات قشونی...
 فعلی تقسیم می‌شود و هر ناحیه نیز بحوزه...
 های جزء تقسیم میگردد...
 مخبر- این مسئله را که آقا فرمودند...
 یک چیزی است طبیعی برای اینکه در این...
 جان نظامنامه که بمجلس نیاورده اند این قانون...
 است و البته یک نسیبهای مختلف در قشون...
 هست...
 اقواج مختلف...
 گروهان‌های مختلف...
 در نواحی سر باز گیری و در مرکز...

کل البته یک شبیات جزئی هم هست و این...
 مربوط به نظامنامه است و به این جاسر بوط...
 نیست...
 جمعی از نمایندگان مذاکرات...
 کافی است...
 رئیس- ماده هفتم قرائت می‌شود...
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۷- افراد قشونی در مراکز حوزه...
 های سر باز گیری خود گرفته خواهند شد...
 رئیس- آقای دامغانی...
 (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم...
 رئیس- مخالفی ندارم؟ گفته شد خیر...
 ماده ۶...
 (اینطور خوانده شد)
 ماده ۶- مادامی که احتیاجات قشونی...
 کمتر از میزان افرادی است که به سن...
 سر بازی داخل شده اند دولت هر ساله...
 بقدر احتیاجات خود افراد لازم را با اصول...
 قرعه از بین افراد واجد شرایط سر بازی...
 انتخاب می‌نماید و آتھائی که قرعه بنامشان...
 اصابت ننماید تا آخر دوره دوم جز ذخیره...
 محسوب خواهند شد و افراد ذخیره هر دو...
 سال یکماه برای مشق نظامی حاضر میشوند...
 رئیس- آقای دامغانی...
 (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- اینجا تصریح می...
 کند که اگر دولت بقدر افراد احتیاج به...
 قشون نداشت بھکم قرعه بکشد در انتخاب...
 می‌کنند و یک عده را جزء ذخیره محسوب...
 خواهد داشت...
 البته تصدیق می‌شود که قرعه هیچ ماطفه...
 ندارد و هیچ مرجعی هم در نظر نمی‌گیرد...
 ممکن است صد نفر باشند و نفر رادولت...
 احتیاج داشته باشد آن وقت قرعه بنام یک...
 ده نفری بیرون بیاید که در نهایت فقر و...
 پریشانی و تأمل باشند بعقد بنده باید یک...
 زحمتانی قائل شده تا اول باید وقتت کرد...
 زن دارها و عیب‌ها آنها را که زن دار...
 هستند مستثنی هستند و بین عیب‌ها قرعه...
 بکشند بدهم اگر لازم شد بین اولاد دار...
 هاوی اولاد ها بکشیم رجعی باشد و در ضمن...
 یک تشویقی هم شده باشد باین که مردم...
 از دراج نمایند و مثل حال مردها وزن هابلا...
 تکلیف نباشد و بالاخر قرعه موقعی...
 است که امر مشکل شود و هیچ مرجعانی هم...
 نباشد ولی در صورتی که یک مرجعی باشد...
 البته باید عمل ترجیح کرد و قرعه آخر...
 الدواع است...
 مخبر- در این مسئله که آقای دامغانی...
 فرمودند البته موضوع قرعه خیلی قضایا...
 راه همی کند و بالاخر قرعه احتیاجات را...
 تأمین میکند و عمومی هم نخواهد بود چون...
 یک مسئله است که در این ماده اصلاح می...
 شود و نزدیکتر است با نظر آقای دامغانی...
 و آن این است که اشخاصی که قرعه بنام...
 شان اصابت نکرده باشد آزاد هستند و در...

سال بعد باید بیایند و قرعه درباره آنها...
 کشیده شود باین جهت نظر به آقا هم تأمین...
 خواهد شد...
 جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی...
 است...
 رئیس- بیشهادها قرائت می‌شود...
 (بضمون ذیل خوانده شد)
 بیشهاد آقای مدرس...
 بنده بیشهاد می‌کنم ماده ششم بطریق...
 ذیل اصلاح شود...
 مادامی که احتیاجات قشونی کمتر از...
 میزان افرادی است که به سن سر بازی داخل...
 شده اند دولت هر ساله بقدر احتیاجات خود...
 افراد لازم را در صورتی که از مابقی آنها بقدر...
 لزوم و اوطاب کلا بیا بیا حاضر بخدمت نشوند...
 الی آخر...
 مدرس- اجازه می‌فرمائید توضیح بدهم...
 رئیس- حالا شور اول است بیشهادها...
 قرائت میشود و مرود در کمیسیون توضیح...
 در شور دوم است...
 بیشهاد آقای ضیاء الملک...
 بنده بیشهاد میکنم ماده ۶ اینطور...
 اصلاح شود...
 به مدار هر دو سال سه ماه برای مشق نظامی...
 حاضر می‌شوند...
 رئیس- ماده ۷...
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۷- در تمام مملکت ایران بموجب...
 تصبیم هیئت وزراء و مدبر و فرمان همایونی...
 از یازدهم میزان هر سال تا آخر فقرت...
 همان سال عمل سر باز گیری شروع و خاتمه...
 خواهد یافت...
 رئیس- آقای دامغانی...
 (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- البته همه آقایان...
 تصدیق می‌فرمایند که از یازدهم میزان تا...
 فقرت ابتدای سال فلاتی و موقعی زراعت...
 است و باید مواد اولیه زندگانی در آن...
 موقع تأمین شود شروع سر باز گیری از...
 یازدهم میزان تا یازدهم فقرت صورتی...
 کنیم اعلمه بزرگی به اصول فلاح و وارد...
 آورد زیرا این سر بازی داوطلبی نیست و...
 اجباریست و البته مردم وزارتین و رعایا هم...
 از این مسئله گراحت دارند و بین ارباب...
 و مالکین و ترانزل پیدا میشود مالکین نمی...
 دانند تکلیفشان چیست و رعیت آنها کیست...
 و وزارتین هم همین طور بلا تکلیف و بالاخره...
 نتیجه این میشود که از اول میزان که موقوفه...
 زراعت و فقر کاری است تا اول فقرت مأمور...
 زراعتی معطل بماند باین جهت بنده مستقیم...
 قبل از این موقع یعنی از یازدهم اسد تا...
 یازدهم سنبله سر باز گیری شروع شود و...
 خاتمه پیدا کند...
 رئیس- آقای آقا سید یعقوب...
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب- بنده خیلی تعجب کردم...
 از فرمایش آقای دامغانی و خواستم به آقای...

دامغانی عرض کنم که اگر شامبخوارها...
 لاف ملاحظه رعایا را بکنند بیس نهاد...
 حکمتی از اول جدی این کار را بکنند زیرا...
 موقع زمستانست رعایا بکار ندارند و قشون...
 خانه‌شان نشسته اند نه این که اسد را که وقت...
 کار و زحمت و تحصیل میباشد است بفرمائید...
 پس معلوم میشود که این نکته را در نظر...
 نگرفته‌اید حالا آن چیزی را که دولت پیش...
 نهاد کرده است بنده موافقم چرا؟ برای...
 اینکه خرمن نامیزان آنچه باشد بخدمت آمده...
 است و خودتان می‌دانید که سنبله موقع...
 تخم کاشتن و شخم زدنست همه رعیت...
 مستقیم و اطلاع داریم...
 جمعی از نمایندگان مذاکرات...
 کافیست...
 رئیس- ماده ۸ قرائت میشود...
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۸- هر سال در ایتهای حمل در شنبه...
 سر باز گیری هر ناحیه قشونی صورتی از...
 کلیه افرادی که در آن سال بن سن سر بازی...
 می‌رسند و در تیت حوزه های جزا میباشند...
 از دفتر کل نفوس آن ناحیه استخراج و...
 صورت‌نامه نفراتی که در آن سال باید گرفته...
 شود باضافه صدی ۲۰ بجهت معافی و...
 فراری برای رؤسای حوزه‌های جزو یک...
 نسخه دیگر بوزارت جنگ ارسال میگردد...
 رئیس- آقای دامغانی...
 (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم...
 رئیس- آقای طهرانی...
 (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی...
 عرضی ندارم...
 جمعی از نمایندگان مذاکرات...
 کافیست...
 رئیس- بیشهادها قرائت میشود...
 بیشهاد آقای میرزا آقاخان...
 بنده بیشهاد میکنم بجای ساخلو حاضر...
 خدمت نوشته شود...
 بیشهاد آقای اکر...
 بنده بیشهاد میکنم عبارت صاحت -...
 متصبیان ساخلو بعبارت (صاحب متصبیان...
 نگهبان) تبدیل شود...
 رئیس- جلسه آتیه روز شنبه دستور...
 اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع بودوازه...
 نفر بلژیکی...
 مشار اعظم- بنده اجازه خواستم...
 رئیس- بل می‌دانم عرض می‌کنم...
 اگر تصویب فرمودید تغییر می‌دهم...
 جمعی بیشهاد کرده‌اند که ۲ فقره خبر...
 کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام...
 کتوری نسبت ببود تفصیری که از طرف...
 وزارت مالیه بیشهاد شده است و رابورت...
 کمیسیون معارف راجع بحق التدریس...
 مستخدمین دولتی در مدارس بعد آقای...
 حایری زاده بیشهاد کرده‌اند قانون بلدیه...
 جزء دستور جلسه آتیه شود نسبت به ۱۴ نفر...
 بلژیکی که مخالفی نیست؟
 آقا سید یعقوب- بنده مخالفم...
 رئیس- بفرمائید...
 آقا سید یعقوب- مکرر در این مجلس...
 صحبت شده است که دستور مجلس و تعیین...
 وزیر فرغ اعلا مابین ماده محتاج...

یک اصلاح عبارتی است باید نوشته شود...
 پس از صدور اوامر وزارت جنگ مأمورین...
 سر باز گیری الی آخر آن قسمت امرای...
 لشکر و مأمورین باید حذف شود چون...
 اینها عملیاتی است که مربوط به نظام نامه...
 است و یک اصلاح دیگری هم در این ماده...
 لازم است بشود کلیه افرادی که داخل...
 سن سر بازی شده باید اضافه شود و همچنین...
 اشخاصی را که در دو سال قبل بر حسب قرعه...
 از خدمت معاف شده اند چون این ماده مربوط...
 است بان ماده که نه لا گذشت چون مطابق...
 آن ماده اینطور بود هر کس که همان سال...
 از قرعه معاف شد دیگر متعرض او نباید...
 بشوند در صورتی که مقصود این بود که...
 این بود که دو سال بعد در جزو کسانی که...
 باید نسبت بان هافره کشیده شود حاضر...
 باشند و این ماده هم چون مربوط به آن...
 ماده است باید اصلاح شود در این اصلاحات...
 راهم چون آقای معبر کمیسیون شرکت...
 داشته و دارند در کمیسیون اصلاح خواهند...
 فرمود...
 رئیس- آقای دامغانی...
 (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی- عرضی ندارم...
 رئیس- آقای طهرانی...
 (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی...
 عرضی ندارم...
 جمعی از نمایندگان مذاکرات...
 کافیست...
 رئیس- بیشهادها قرائت میشود...
 بیشهاد آقای میرزا آقاخان...
 بنده بیشهاد میکنم بجای ساخلو حاضر...
 خدمت نوشته شود...
 بیشهاد آقای اکر...
 بنده بیشهاد میکنم عبارت صاحت -...
 متصبیان ساخلو بعبارت (صاحب متصبیان...
 نگهبان) تبدیل شود...
 رئیس- جلسه آتیه روز شنبه دستور...
 اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع بودوازه...
 نفر بلژیکی...
 مشار اعظم- بنده اجازه خواستم...
 رئیس- بل می‌دانم عرض می‌کنم...
 اگر تصویب فرمودید تغییر می‌دهم...
 جمعی بیشهاد کرده‌اند که ۲ فقره خبر...
 کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام...
 کتوری نسبت ببود تفصیری که از طرف...
 وزارت مالیه بیشهاد شده است و رابورت...
 کمیسیون معارف راجع بحق التدریس...
 مستخدمین دولتی در مدارس بعد آقای...
 حایری زاده بیشهاد کرده‌اند قانون بلدیه...
 جزء دستور جلسه آتیه شود نسبت به ۱۴ نفر...
 بلژیکی که مخالفی نیست؟
 آقا سید یعقوب- بنده مخالفم...
 رئیس- بفرمائید...
 آقا سید یعقوب- مکرر در این مجلس...
 صحبت شده است که دستور مجلس و تعیین...
 وزیر فرغ اعلا مابین ماده محتاج...

آن باخ و مجلس است بنده مستقیم این...
 قانون نظام اجباری که یک فصلش گذشته...
 است این قانون را تمام کنیم و بعد داخل در...
 قسمت های دیگر شویم...
 رئیس- آقای تدین...
 (اجازه)
 تدین- اولاً نسبت برابرت کمیسیون...
 بودجه در همین جلسه بیشهاد آقای مدرس...
 اصلاح شد و همه آقایان تصویب کردند در...
 ظرف یک ساعت که نمی‌شود تغییر در داد...
 بنابر این بنده تصور می‌کنم محتاج برای...
 جدید نباشد و اما آن قسمت دیگر راجع به...
 تفسیر دو ماده است که از طرف وزارت مالیه...
 بیشهاد شده و یکی هم شرح قانونی از طرف...
 آقایان نمایندگان در این جا تنظیم شده است...
 که راجع بقسمت حق التدریس معلمین است...
 و بکمیسیون های مربوطه ارجاع شده و...
 تصوری کم چندان وقتی هم لازم نخواهد...
 داشت لهذا مستقیم این هم بعد از رابرت...
 کمیسیون بودجه مطرح شود...
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس-...
 بنده مخالفم...
 تدین- حالا لازم نیست مصبانی...
 بشود رای ندهید...
 رئیس- چون عده کافی نیست جلسه را...
 ختم میکنم...
 (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر...
 ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک...
 منشی علی اقبال المالک...
 منشی معظم السلطان...
 جلسه صد و چهل و یکم...
 صورت شرح مجلس...
 یوم شنبه ۲۳ حوت ۱۳۰۳...
 مطابق ۱۸ شعبان ۱۳۴۳...
 مجلس دو ساعت و چهل و پنج دقیقه...
 قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک...
 تشکیل گردید...
 (صورت مجلسی یوم پنجشنبه...
 ۲۱ حوت را آقای آقا میرزا...
 جواد جان قرائت نمودند)
 رئیس- آقای رئیس التجار...
 اعلام فرمودید و در صورت مجلس نوشته...
 است بود...
 رئیس- حالا که می‌خواهم داخل...
 دستور شوم اظهار بفرمائید تا در آن رای...
 گرفته شود نسبت به صورت مجلس اجاری...
 نیست؟
 بعضی از نمایندگان- خیر...
 رئیس- آقای رئیس التجار...
 (اجازه)
 رئیس التجار- بنده بیشهادی تقدیم مقام...
 ریاست کرد که این چهار روز جلسه که تا...
 عید باقی است از چهار به ظهر تشکیل شود...
 ولی چون عده برای رای کافی نبود اخذ...
 رای مانده برای امروز...
 نظر بنده این بود که قانون نظام...
 عمومی تا قبل از عید شور اولش تمام شود...

رئیس- آقای حائریزاده...
 (اجازه)
 حائریزاده- در صورت مجلس...
 نوشته بود لایحه مستخدمین بلژیکی بر...
 حسب بیشهاد آقای مدرس رای گرفته و...
 رد شد که از دستور خارج شود در صورتیکه...
 رای گرفته نشد...
 آقای مدرس یک پیشنهادی کردند...
 آقای رئیس هم قبل از اینکه مطلب را درست...
 مجلس ملتفت بشود خواستند رای بگیرند...
 مجمل ماند...
 رئیس- آقای مدرس...
 پیشنهادی کردند به آن رای گرفته نمیشود...
 حائریزاده- خیر مجمل ماند...
 رئیس- آقای مدرس...
 پیشنهادی کردند آن آقای نصرت الدوله هم خواستند...
 اصلاحی بیه آن بیش نهاد...
 کنند...
 مدرس- من هم قبول کردم...
 رئیس- قبول گردید ولی نوشتم...
 باید نوشته باشید که در روی آن رای...
 گرفته شود...
 علی ای حال به بیشهاد مدرس رای...
 گرفته و رد شد و آنکه اگر هم اجاری...
 بود می‌بایستی همان موقع بفرمائید...
 نشخصی اکثریت هم با هیئت رئیس...
 است نسبت به صورت مجلس اجاری...
 نیست؟...
 آقا سید یعقوب- بنده عرض دارم...
 رئیس- بفرمائید...
 آقا سید یعقوب- آن وقتی که...
 مقام معترم ریاست دستوری را اعلام...
 فرمودند بنده مخالفت کردم و عرض کردم...
 همان قانون سر باز گیری که جز دستور...
 است آن را تمام کنیم بعد وارد در لایحه...
 دیگر شویم...
 آقای رئیس فرمودند اکثریت نیست...
 که در این باب رای گرفته شود در صورت...
 مجلس نوشته است که دستور اینطور معین...
 شد و جلسه ختم شد...
 مخالفت بنده نسبت به دستوری که...
 اعلام فرمودید و در صورت مجلس نوشته...
 است بود...
 رئیس- حالا که می‌خواهم داخل...
 دستور شوم اظهار بفرمائید تا در آن رای...
 گرفته شود نسبت به صورت مجلس اجاری...
 نیست؟
 بعضی از نمایندگان- خیر...
 رئیس- آقای رئیس التجار...
 (اجازه)
 رئیس التجار- بنده بیشهادی تقدیم مقام...
 ریاست کرد که این چهار روز جلسه که تا...
 عید باقی است از چهار به ظهر تشکیل شود...
 ولی چون عده برای رای کافی نبود اخذ...
 رای مانده برای امروز...
 نظر بنده این بود که قانون نظام...
 عمومی تا قبل از عید شور اولش تمام شود...

رئیس- آقای حائریزاده...
 (اجازه)
 حائریزاده- در صورت مجلس...
 نوشته بود لایحه مستخدمین بلژیکی بر...
 حسب بیشهاد آقای مدرس رای گرفته و...
 رد شد که از دستور خارج شود در صورتیکه...
 رای گرفته نشد...
 آقای مدرس یک پیشنهادی کردند...
 آقای رئیس هم قبل از اینکه مطلب را درست...
 مجلس ملتفت بشود خواستند رای بگیرند...
 مجمل ماند...
 رئیس- آقای مدرس...
 پیشنهادی کردند به آن رای گرفته نمیشود...
 حائریزاده- خیر مجمل ماند...
 رئیس- آقای مدرس...
 پیشنهادی کردند آن آقای نصرت الدوله هم خواستند...
 اصلاحی بیه آن بیش نهاد...
 کنند...
 مدرس- من هم قبول کردم...
 رئیس- قبول گردید ولی نوشتم...
 باید نوشته باشید که در روی آن رای...
 گرفته شود...
 علی ای حال به بیشهاد مدرس رای...
 گرفته و رد شد و آنکه اگر هم اجاری...
 بود می‌بایستی همان موقع بفرمائید...
 نشخصی اکثریت هم با هیئت رئیس...
 است نسبت به صورت مجلس اجاری...
 نیست؟...
 آقا سید یعقوب- بنده عرض دارم...
 رئیس- بفرمائید...
 آقا سید یعقوب- آن وقتی که...
 مقام معترم ریاست دستوری را اعلام...
 فرمودند بنده مخالفت کردم و عرض کردم...
 همان قانون سر باز گیری که جز دستور...
 است آن را تمام کنیم بعد وارد در لایحه...
 دیگر شویم...
 آقای رئیس فرمودند اکثریت نیست...
 که در این باب رای گرفته شود در صورت...
 مجلس نوشته است که دستور اینطور معین...
 شد و جلسه ختم شد...
 مخالفت بنده نسبت به دستوری که...
 اعلام فرمودید و در صورت مجلس نوشته...
 است بود...
 رئیس- حالا که می‌خواهم داخل...
 دستور شوم اظهار بفرمائید تا در آن رای...
 گرفته شود نسبت به صورت مجلس اجاری...
 نیست؟
 بعضی از نمایندگان- خیر...
 رئیس- آقای رئیس التجار...
 (اجازه)
 رئیس التجار- بنده بیشهادی تقدیم مقام...
 ریاست کرد که این چهار روز جلسه که تا...
 عید باقی است از چهار به ظهر تشکیل شود...
 ولی چون عده برای رای کافی نبود اخذ...
 رای مانده برای امروز...
 نظر بنده این بود که قانون نظام...
 عمومی تا قبل از عید شور اولش تمام شود...

و مانع به کرده‌ام که در وسط يك قانونی وقتی مسائل دیگری پیش بیاید آن قانون خیلی طول میکشد حالاً که این قانون به مجلس آمده و قانون مهی هم هست از آقایان مهمتر استند می‌کنم که بدون تأخیر همین قانون را تعقیب کنند که برای اول‌بید نام شود در این يك ساعت هم که اضافه می‌شود ما می‌توانیم مسائل دیگر را هم مطرح کنیم

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی تهرانی - بنده خواستم اصل بیستم قانون اساسی را تذکر بدهم و همین عبارت این اصل را میخوانم بعد توضیح خواهم داد . اصل بیستم میگوید:

بودجه هر يك از وزارت‌ها باید در آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده یا نوزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد .

امروز تقریباً پنج‌شش روز بیشتر به عید نوروز و سال آتی باقی نمانده و هنوز بودجه هیچ يك از وزارت‌ها حتی بودجه وزارت مالیه بمجلس نیامده و گمان میکنم دوسه ماهم از سال آتی فرستادن بودجه باید بماند رسیدگی شود ماه به ماه دولت يك درازدم اعتبار از مجلس خواهد خواست .

آخر سال هم معلوم نیست مقدارش وزارت‌ها چيست؟ و بالاخره منتهی میشود باینکه اکثر وزارت‌ها در آخر سال آتی چهارماه پنج‌مبارای حقوق معطل بمانند این است که تقاضا میکنم از طرف مجلس بدولت تذکره داده شود که موافق اصل بیستم قانون اساسی زودتر بودجه را بمجلس ارسال دارند .

بیشتر عرض بنده متوجه يك چیزی است که در همین جا بنده از آقای وزیر معارف سؤال کردم راجع به معارف آذربایجان که بیست و هشت هزار تومان بیشتر بودجه معارف آذربایجان نیست و اهمیت معارف ابتدائی و تحصیل زبان فارسی در آذربایجان بقدری است که گمان نمی‌کنم هیچ يك از آقایان نمایندگان انکار کنند .

(بعضی از نمایندگان صحیح است) و مخصوصاً هم متوجه هستند معارف آذربایجان و تبلیغ زبان فارسی در آن جا وزارت معارف و هده کرده است بر حسب تصمیم آقای رئیس الوزراء و هیئت وزراء درسته آتی پنج‌هزار تومان بالنسبه مخصوص برای معارف آذربایجان تخصیص بدهند که در تمام آن جا مدارس سه‌چهار کلاس برای تدریس زبان فارسی تأسیس شود و البته اگر بودجه بمجلس بیاید تمام آقایان توجهی خواهند فرمود که بودجه معارف آذربایجان زیاد شود پنج‌هزار تومان

امروز تقریباً پنج‌شش روز بیشتر به عید نوروز و سال آتی باقی نمانده و هنوز بودجه هیچ يك از وزارت‌ها حتی بودجه وزارت مالیه بمجلس نیامده و گمان میکنم دوسه ماهم از سال آتی فرستادن بودجه باید بماند رسیدگی شود ماه به ماه دولت يك درازدم اعتبار از مجلس خواهد خواست .

برای آنجا منظور خودت باید از این زبان ملی ما در تمام نقاط خاصه آذربایجان انتشار پیدا کند .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - تصور میشود آقایان نمایندگانی که در این چند دوره بنده در مجلس شرافت خدمت گذاری داشته‌ام و با هم آشنا بودم ام تصدیق کنند که بنده هیچ وقت در مدت نمایندگی خودم نتوانسته‌ام در مطالب خصوصی وارد شده باشم زیرا اینکه به اصل دوم قانون اساسی که در آنجا تصریح و مسلم است که مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت است که بلااستثناء در مسائل و موارد سیاسی و اقتصادی شرکت دارند . با این اصل هیچ ضرورت نداشته است که گاهی پیش باید که بنده در يك مورد بخصوص نسبت به جماعت زردشتی یا خدمت‌های دیگری حرف زده باشم .

حالا هم اگر عرض میکنم از همان نقطه نظر است که معتقد نیستم تبعیض وقتی يك كه هم‌اوصالی مجرد است البته جای آن نیست که بنده معتقد نیستم تبعیض باشم بر روی زردشتی که ماده اول قانون نظام اجباری مطرح بوده است بنده شرف حضور نداشتم که مذاکرات را کامل بشنوم ولی بعد شنیده شد که در اطراف آن يك مذاکراتی شده است چون يك مذاکراتی نسبت بمثل متنوعه شده است که حتی بنده در چند جلسه قبل از کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات استعدا کردم که دقت فرمایند شاید عبارت دیگری پیدا کنند (که ملل متنوعه استعمال نشود) برای اینکه تمام جماعت‌ها يك ملت هستند و تا حدی افتخار بیستگی خودمان با بران داریم که اعتراض میکنم از این گفته .

البته مورد ندارد که خودمان را جدا بدانیم (جمعی از نمایندگان صحیح است) در آن روز چون عنوانی باسم ملل متنوعه شده بود (و هنوز هم لغت دیگری برایش علم نشده بنده هم عجلتاً همان عبارت را عرض میکنم)

و از طرف نمایندگان ملل متنوعه در اینجا اظهاری نشده بود این است که بنده از طرف خودم و اجازه که از طرف نمایندگان مسیحی و کلبی دارم بطور اختصار عرض میکنم صده نشده است بچند جهت بوده است اولاً در چنین موارد بهتر نیست که رعایت ادب و احترام بممل آمده باشد و در حال عصبانی بودن عرضی نشده باشد .

ثانیاً تا موقع شور ثانی فرصت در دست بوده است که تا آنوقت مطالبات بشود که معلوم شود نظر اکثریت مجلس چیست و برای اینکه تصور نشود آن سکوت موجب رضا بود . است این عرض را کردم .

ثانیاً تا موقع شور ثانی فرصت در دست بوده است که تا آنوقت مطالبات بشود که معلوم شود نظر اکثریت مجلس چیست و برای اینکه تصور نشود آن سکوت موجب رضا بود . است این عرض را کردم .

ثانیاً تا موقع شور ثانی فرصت در دست بوده است که تا آنوقت مطالبات بشود که معلوم شود نظر اکثریت مجلس چیست و برای اینکه تصور نشود آن سکوت موجب رضا بود . است این عرض را کردم .

حالا هم در اساس مطلب عرض نمیشود برای اینکه آن فرصت هنوز از ما سلب نشده است البته اگر موقع برسد و ضرورت ایجاد کند کند برای هر يك مجال اظهار عقیده باقی است .

ولی چون آن روز در اینجا يك مذاکراتی شده است که ممکن است در خارج يك سوء تعبیراتی بشود اگرچه ما خودمان کاملاً مطمئنیم که هیچ قصد و غرضی در اساس نبوده است .

برای اینکه همیشه نظر آقایان نمایندگان نظر توجه بمسئول و نظر شفقت و رأفت و نظریه قضاوت و صحت بوده است . ولی چون ممکنست سوء تعبیرات و تفسیراتی در خارج بشود (زیرا صدای این جا غیر از صداهای است که در کوچه و بازار و خانه‌ها بلند است) و صدای اینجا در دنیا منعکس میشود و دنیا باید در آن قضاوت کند .

بعلاوه ممکن است بعضی عبارات در داخله مملکت سوء تعبیر و تفسیر شود و همین طور ممکن است کسانی که بمذاکره‌ها امید وار بوده اند بوطن خودشان برگردند يك اثرات بدی داشته باشد و بعد از يك مدتی امید آنها را بیامید میل کند . عرض میکنم در دوره چهارم هم در ضمن یکی از مطالب عرض کردم

ما بقدری ابرایت را برای خودمان مسلم میدانیم و علالتشان دادیم که در موقع شدیدترین تهاجمات هیچ ششیر برنده نتوانست ما را از افتخار ایرانیت جدا کند و هیچوقت هم نخواهد توانست

برای اینکه ما باین اسم و باین آب و خاک علاقتند هستیم و البته باید وظیفه خودمان را ادا کنیم ما هیچ وقت نمیخواهیم خودمان در شادی و راحت باشیم و برادران مادر رنج و تب .

وقتی که ما خودمان را داخل يك ملت میدانیم عقیده مندم که در رنج و راحت در شادی و لذت و جانبازی و بر خورداری و همه چیز شریک باشیم و این قضیه نیست که ما امروز میخواهیم در این موضوع مخصوص عرض کنیم بلکه همیشه متوجه هستیم بآن چیزی که قانون اساسی امر میکند .

بناوریکه عرض کردم بنده نمیخواهم داخل در اصل موضوع شوم همین قدر از طرف خودم و از طرف نمایندگان مسیحی و کلبی بطور اختصار عرض میکنم واستعدا دارم آقایان نمایندگان در ضمن اینکه تا موقع شور دوم فرصت دارند متوجه بدو اصل بشوند .

برای اینکه همان قانون اساسی که تکیه مشروطیت و اختیارات مجلس شورای ملی بر روی آن محکم است فقط يك استثناء را در آنجا تصریح کرده و آن اصل پنجاه و هشتم متمم قانون اساسی است که در موضوع وزارت است و آنهم موضوعش معلوم است .

که درجه موقعی بوده است و البته امیدواری هست که بتدریج مقتضیات وقت اگر مقتضیات وقت آن روز این طور اقتضا کرده است

مقتضیات بعد هم متدرجاً این طور شود آن اصل هم اصلاح شده و این تبعیض هم از بین برداشته شود .

بیش از این عرض نمیکند و این عرض فقط برای این بود که حکومت بر یروز موجب رضا تصور نشود و البته وقت برای همه باقی است که در این باب بیشتر غور بشود .

بعلاوه ممکن است بعضی عبارات در داخله مملکت سوء تعبیر و تفسیر شود و همین طور ممکن است کسانی که بمذاکره‌ها امید وار بوده اند بوطن خودشان برگردند يك اثرات بدی داشته باشد و بعد از يك مدتی امید آنها را بیامید میل کند . عرض میکنم در دوره چهارم هم در ضمن یکی از مطالب عرض کردم

ما بقدری ابرایت را برای خودمان مسلم میدانیم و علالتشان دادیم که در موقع شدیدترین تهاجمات هیچ ششیر برنده نتوانست ما را از افتخار ایرانیت جدا کند و هیچوقت هم نخواهد توانست

برای اینکه ما باین اسم و باین آب و خاک علاقتند هستیم و البته باید وظیفه خودمان را ادا کنیم ما هیچ وقت نمیخواهیم خودمان در شادی و راحت باشیم و برادران مادر رنج و تب .

رئیس تصویب شد
آقای آقا سید یعقوب که دیگر اظهاری ندارند؟

رئیس - ماده دهم مطرح است . (اینطور فرمات شد)

ماده دهم - حکام شرع مجاز از مراجع تقلید و مدرسین درجات عالیه علوم معقول و منقول و پیش‌نمازان مساجد که از یکسان قبل متصدی شغل امامت جماعت بوده باشند در سنین سر بازی واقع شوند از خدمت سر بازی معاف خواهند بود .

رئیس - آقای دامغانی . (اجازه)

شریعت‌مدار دامغانی - در خصوص معاف بودن اصناف و اشخاص از سر بازی البته باید تصدیق کرد که مملکت حکم يك خانواده را دارد که هر کس باربندی يك شغلی را اداره بکند تا اینکه بالاخره ما و در آن خانواده منظم شود .

اشخاص یا اصنافی که وجودشان برای جامعه ضرورت دارد و طرف احتیاج جامعه هستند البته باید از سر بازی معاف کرد .

زیرا همانطور که يك قسمت مهم از احتیاجات جامعه سر بازی است قسمت‌های دیگر هم دارد .

مثلاً ما مورین و اطباء صیغه باید معاف باشند برای اینکه طرف احتیاج جامعه هستند .

همینطور اطباء که در شهرها طرف احتیاج جامعه هستند باید معاف باشند به علت اینکه همانطور که عدل سر بازی را که اهمیتش از هر کاری زیادتر است يك همای باید اداره کنند همانطور باید يك همه ای باشند که صحت و معالجه مردم را اداره کنند .

اهمیت معلمینی که تدریس می‌کنند معلومست و از نقطه نظر ترویج معارف بایستی آنها هم معاف باشند و این را در موقع خودش میشنوا خواهم کرد

بعلاوه بر اینکه در این ماده نوشته شده است مدرسین درجات عالیه علوم معقول و منقول .

بنده مقصود از لفظ درجات عالیه را نفهمیدم که آیا مقصود این است آنهايي که فقه و اصول درس می‌گویند معافند و اگر مدرس در مدرسه صرف و نحو بگویند معاف نخواهند بود ؟

کسی ستمش به کسی یاسی و پنج رسید تکلیفش چه خواهد بود فرمودند شمول قانون سر بازی - گیری نخواهد شد .

اگر اینطور باشد دیگر اینجا لفظ سنین بیهود است .

باید گفت هر گاه در سن فلان واقع شوند .

سالار لشکر مخبر کسبیون - شرحی را که آقای دامغانی نسبت باطباء و معلمین فرمودند البته آقای دامغانی تصدیق می‌نمایند که در سن بیست و يك سالگی خیلی مشکل است کسی طبیب حسابی شده باشد بواسطه اینکه همانطور که امروز هم ایراد کردند و جواب هم داده شد باید از سن بیست و يك سالگی شروع بنظام اجباری بکند و این برای این است که در سن بیست و يك سالگی بروند داخل خدمت نظامی شوند و دین خود را بمملکت ادا کنند بعد بروند برای تحصیل علوم عالیه .

اگر مقصود آقای اطباء قدیمی است که بالارث يك اطلاعاتی دارند .

اینست اطباء بهیچوجه وجودشان برای جامعه مفید نیست و اگر هم مقصودشان يك اطباءئی است مثل آقای امیر اعلم که در اروپا تحصیل کرده باشند گمان نمیکنم قبل از سن بیست و پنج با بیست و شش باشد تصدیق د کتر بگیرند .

بعلاوه در مواد بعد هم معلوم خواهد شد که اشخاصی که مشغول تحصیلات عالی هستند مدت خدمت سر بازی شان کمتر است و تصور میکنم معلم هم همانحال را داشته باشد .

معلمینی که در دارالمعلمین می‌روند و تحصیل معلمی میکنند آنها هم همین حال را دارند و مدت خدمتشان کم است .

راجع بامام جماعت هم که فرمودند این را بنده درست اطلاع ندارم آقای مدرس در موقع خواهند فرمود . لی تصور نمیکنم در سن بیست و يك سالگی امام جماعتی پیدا شود و دعوی اجمال اینجا بشود که اگر پیدا شد معاف باشد .

رئیس - آقای باستانی (اجازه)

باستانی اعتراض بنده باین ماده راجع بکنه حکام شرع مجاز است این کله در موقع عمل يك جورهای دیگری معنی میدهد .

اجازه يك مرتبه اجازه اجتهاد است اگر مقصود آقایان این است که بنده هم موافقم .

ولی مقصود اجازه های حسبی است آنرا باید توضیح داد .

برای اینکه بیکوقت بفلان طلبه اجازه میدهند که تو میتوانی طلاق بدهی یا عقد کنی یا در امورات حسبی میتوانی دخالت کنی و خیلی‌ها هم از این اجازه‌ها در

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سر بازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن دروش مانده است .

مقصود این است که ما خودمان پیش‌بینی‌هایی میکنیم که فرزندان این اشخاص و سببه شود و هر کس يك عامه سرش بود از خدمت سر بازی خودش را معاف بدانند .

دیگر از اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده‌اند .

بعضی‌ها مدت خدمت سر بازی شان کم است و بعضی‌ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن حقوق را که بایستی باها بدهیم نمیدهیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده‌ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و از دیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مخبر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خله پیدا شود .

در تمام ممالک شاید پیش از هفتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار باشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات پیش از یک نفر نیستند اینکه آقای مخبر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی فرعه میکنیم اتفاقاً فرعه بنام آنها اصابت نمی‌کنند ولی بعد از دو سال دو مرتبه آنها را تحت سلاح می‌آوریم اگر بعد از اینکه در فرعه اول فرعه بنام آنها اصابت نکرد معاف خواهند بود

خوبست توضیح بدهند تا معلوم باشد اگر اینطور باشد محتاج بيك ماده مخصوص خواهد بود

فرضاً در جائیکه هزار نفر دارد که سن بیست و يكسال رسیده اند در بین این هزار نفر درات محتاج بود دوست نفر با قید قرعه بگیرد و هشتصد نفر دیگر باقی خواهند ماند

این هشتصد نفری که باقی ماند بکلی معاف می‌شوند یا خیر میباید برای دو سال بعداً اگر برای دو سال بعد معافیت است این جواب آقای مخبر قانع کننده نیست زیرا ممکن است در فرعه اول و دوم قرعه بنام آن بیست و يكساله اصابت نکند و در فرعه پنجم مثلاً اصابت کند و آنوقت اوسو و پنج سال خواهد داشت نه بیست و يكسال

بهر حال بعقیده بنده اطباء را هم باید مستثنی کرد .

دیگر از مستثنیانی که ما باید مائل شویم مستخدمین فنی دولت هستند که در خدمت دولت کار میکنند آنها را هم بعقیده بنده باید معاف کرد .

مثلاً فلان تلگرافچی که مستخدم فنی دولت است باید معاف باشد و اگر بخواهند اینها را خدمت سر بازی ببرند بجای آنها يك اشخاصی نیستند که بتوانند کار دولت را انجام دهند .

زیرا بموجب قانون استخدام مایش از صد پنج منتظر خدمت حق نداریم در اداراتشان داشته باشیم

آقایان باید بدانند که این قانون برای یکی دو سال هست و باید مراعات تمام جهات بشود .

و یکی دیگر از موارد مستثنیات این قانون قضاات عدلیه هستند و بنده عقیده مندم که قضاات عدلیه هم باید از خدمت سر بازی معاف باشند (نه از برای شخص خودم است که این را عرض میکنم خیر خودم یا نهایت افتخار حاضرتم داخل در خدمت سر بازی بشوم)

ولی اساساً نظرم این است که قضاات باید معاف باشند برای اینکه به کسی که مدتهای مدیری رفته و تحصیل کرده و از مدرسه حقوق دیپلم اخذ کرده و حقوقدان است نمی‌شود گفت تو برو خدمت نظام کن و سر باز شو - علاوه بر این مملکت ما قاضی ندارد و به قضات سی محتاج است که تحصیلشان خوب و عالی باشد باین اشخاصی که الان مصدر کارند و در ضمن عمل يك چیزهایی یاد گرفته اند نمیشود گفت که اینها قاضی هستند و حقیقتاً حق قضاات را ادا میکنند پس نظر به تشویق و ترغیب قضاات صحیح‌عالم ولایت بنده عقیده دارم که باید معاف باشند .

اشتباه نشود اگر بنا شود تمام این اشخاص هم مستثنی شوند تازه عدلشان بده هزار نفر نمی‌رسد و مطابق این قانون ما همیشه

معلمینی که در دارالمعلمین می‌روند و تحصیل معلمی میکنند آنها هم همین حال را دارند و مدت خدمتشان کم است .

راجع بامام جماعت هم که فرمودند این را بنده درست اطلاع ندارم آقای مدرس در موقع خواهند فرمود . لی تصور نمیکنم در سن بیست و يك سالگی امام جماعتی پیدا شود و دعوی اجمال اینجا بشود که اگر پیدا شد معاف باشد .

اهمیت معلمینی که تدریس می‌کنند معلومست و از نقطه نظر ترویج معارف بایستی آنها هم معاف باشند و این را در موقع خودش میشنوا خواهم کرد

بعلاوه بر اینکه در این ماده نوشته شده است مدرسین درجات عالیه علوم معقول و منقول .

بنده مقصود از لفظ درجات عالیه را نفهمیدم که آیا مقصود این است آنهايي که فقه و اصول درس می‌گویند معافند و اگر مدرس در مدرسه صرف و نحو بگویند معاف نخواهند بود ؟

گمان میکنم لفظ درجات عالیه زیاد است و باید حذف شود .

دیگر اینکه اینجا نوشته است هر گاه در سنین سر بازی واقع شوند .

دیروز آقای مخبر توضیح دادند که اگر از سن بیست و يكسالگی گذشته دیگر معاف است و مخصوصاً بنده سؤال کردم که اگر

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سر بازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن دروش مانده است .

مقصود این است که ما خودمان پیش‌بینی‌هایی میکنیم که فرزندان این اشخاص و سببه شود و هر کس يك عامه سرش بود از خدمت سر بازی خودش را معاف بدانند .

دیگر از اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده‌اند .

بعضی‌ها مدت خدمت سر بازی شان کم است و بعضی‌ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده‌ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و از دیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مخبر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خله پیدا شود .

در تمام ممالک شاید پیش از هفتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار باشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات پیش از یک نفر نیستند اینکه آقای مخبر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی فرعه میکنیم اتفاقاً فرعه بنام آنها اصابت نمی‌کنند ولی بعد از دو سال دو مرتبه آنها را تحت سلاح می‌آوریم اگر بعد از اینکه در فرعه اول فرعه بنام آنها اصابت نکرد معاف خواهند بود

میتوانیم يك ميليون دوبرابون قشون داشته باشیم با این ترتیب اگر ده هزار نفر هم مستثنی شوند هیچ اهمیتی ندارد.

یکتفر از نمایندگان - پس زارع هم باید معاف باشد.

یاسائی - اگر آقایان فرمایشی دارند بهتر این است که بنوبت خودشان بروند پشت تریبون صحبت کنند.

درباب زارع باید عرض کنم که زارع نمی تواند وزیر یا قاضی یا طبیب شود. اگر طبیب شد آن وقت باید جامعه‌های طبابت او استفاده کند.

رئیس التجار - زارع چرانیست و وزیر یا طبیب شود معلوم میشود تساوی حقوق را مایل نیستند.

یاسائی - بنده تساوی حقوق را بهتر از جناب عالی قائل هستم ولی بدیهی است که در تساوی حقوق فاضل و عالم برجاهل در جهان رتوفق خواهد داشت و این یک امر بدیهی و مسلمی است.

خلاصه یکی از چیزهایی که ما باید در نظر بگیریم و موانع زود دارد اینست که به عقیده بنده تمام اشخاصی که در خدمت نظامی پذیرفته میشوند آنها را سه درجه تقسیم کنیم.

در درجه اول که میگوایم قره بکشیم باید اول شروع کنیم با اشخاصی که متأهل نیستند اگر این عده کافی نبود و محتاج شد دوم مرتبه اشخاصی را خدمت نظامی قبول کنیم خوب است قره بکشیم یا بین اشخاصی که متأهل هستند ولی اولاد ندارند و بالاخره در درجه سوم اگر با محتاج شدیم بین اشخاصی که متأهل هستند و اولاد هم دارند قره بکشیم و بخدمت نظامی بطلبیم آن وقت در نتیجه این قانون ازدواج اجباری را ایجاد میکند.

و طبقاً از این **فصلنامه** و منکر می‌کنیم ذکرش موجب شرمساری است جلوگیری خواهد شد.

و این ترتیب خیلی خوب خواهد بود و هیچ اشکالی هم ندارد و با این کیفیت ما تمام اشخاص را به قره بخدمت نظامی دعوت میکنیم منتهی تشویقی هم از ازدواج و ازدیاد نسل ایرانی شده و عده ایرانی هم زیاد خواهد شد.

رئیس الوزرا - عیبش نهادهای آقای یاسائی اصل قانون سر بر بازی گیری عمومی را منتزاع می کند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب اولاً باید آقای یاسائی را توجه بدیم باینکه در پشت همین تریبون اظهار کردند که من مسلکاً تندم ولیکن در عمل بقدری استثنائات و صفوف متنازه قائل شونم کدر هیچ همی حتی در دره کیشور هم قائل نبوده اند خوب اگر بنا شود در قانون نظام اجباری این همه استثناء

قائل شویم آن وقت علی میماند و حوضش در مقام عمل میفرماید مسلک من تند است مسلک یعنی چه؟ مسلک همان عقیده است ولی این مسلک یا عقیده در حال باید عملی باشد. بهر صورت بر سبیل کلیت بنده عرض می کنم که همه این ها اینکه از طبیب و غیره که فرمودند باید سر باز باشد اما آیدیم بر سر اظهاراتشان بنده گندم بکنامه بادداشت کرده و جواب عرض می کنم راجع به مجاز مادر در ملک هستیم و همه اوضاع را میدانیم و هر کدام یک رساله در توی بلدان داریم مقصود از مجاز یعنی کسیکه اجازه اجتهاد داشته باشد نه این که خود بخود اجازه داشته باشد شما خودتان از طلا بکشید و همه را بمانند کسی که اجازه مطلق دارد یعنی کسی که قصد انشاء داشته باشد و میتواند مطلق بدهد چیز غریبی فرمودید پس مراد از مجاز یعنی چه یعنی کسیکه اجازه اجتهاد داشته باشد اما راجع بحسن فرمودید ممکن است شیخ حسن بشود این حرفها یعنی چه این که فرمودید در فلان ده فلان زید ممکن است برای فرار از خدمت نظامی عمامه سرش بگذارد و شیخ حسن بشود در شهر هم ممکن است یک کسی مثلاً حسن علی میرزا بشود و فرار کند مدت ها بود که مردم برای ابراز مقام عالیت عمامه سرشان می گذاشتند حالا فکرمی بندند این دیگر این حرفهاری می خواهد عمامه گذاشتن که نقص نیست.

اما راجع به علم شرحی فرمودید ملاحظه فرمائید معلمی که باید در مدرسه بشاگرد ها درس بیاموزد البته یک چنین معلمی باید دارای اخلاق حسنه و ملکات پسندیده باشد تا بتواند شاگردان و اطفال را تربیت کرده و به حسن اخلاق پرورش دهد در این صورت بنده بمعلم بیست و یک ساله عقیده ندارم زیرا واجد این شرایط نیست معلم باید روحیات شاگرد را بداند تا گفته او در متعلم اثر کند و شخص بیست و یک ساله هیچده ساله غیر از تند خوئی و تجاوز کردن از حدود قانون چیز دیگری نم تواند بمعلم بیاموزد کسی که میخواهد معلم بشود قبل از معلم شدن اول دین خودش را با ملکیت و بوطن ادا کند (چون در واقع این مبتزله یک دینی است نسبت بملکت) آن وقت برود معلم بشود و این یک چیز تازه هم نیست. پس معلمی که در سن بیست و یک سالگی رفته و خدمت نظامی خودش را کرده و دین خودش را بملکتش ادا کرده در سن بیست و پنج سالگی برود معلمی کند او بهتر میتواند بشاگردان چیز یاد بدهد اما راجع به طبیب با این نظری که مخصوصاً مادر محفوظ داشتن اصول حفظ الصحه در نظر داریم و میگوایم در همه جاد کترها را محدود کنیم تا هر کس نتواند به اسم دکتر بودن اسباب زحمت و هلاکت هزاران بی گناه را فراهم آورد اگر ما قبایل شویم

که دکترها معاف باشند آن وقت باین وضع حاضریم که اکثر مردم خودشان را طبیب میدانند دیگر کسی سر باز نخواندند؟ در خصوص مستخدمین کشوری بنده از آن اشخاصی هستم که معتقدم مستخدمین کشوری و دولتی باید برای نظام اجباری حاضر باشند و مشق نظام بکنند و اصول نظامی را خوب بدانند ما خودمان در ملک عثمانی دیده ایم در موقع جنگ بین المللی تمام مستخدمین کشوری بالباس نظامی در پشت میز ها نشسته بودند (در تمام دنیا همین طور است وقتی که اعلان نظام اجباری می کنند باین همه مستخدمین کشوری داخل در نظام شوند تا در موقعش برای سلاح حاضر باشند.

اما راجع بقضات (گرچه تمام مقصود قضات بود) بنظر بنده باید تمام مستخدمین عدلیه از قضات و غیره شامل این قانون شوند چرا میگوایم قضات را مستثنی کنیم؟ خوب است مراجعه باده اول این قانون فرمائید که میگوید تمام ایرانی ها بکنند خدمت نظام اجباری بکنند باین برای چه قضات و اجزاء عدلیه مستثنی شوند و باین فرمایشی که آقای مدرس کردند که بنده جرات نمیکنم مخالفت کنم زیرا آنکه می شوم این نظام اجباری در واقع حکم جهاد را دارد در این صورت چه لحاظ قضات عدلیه از جهاد و حکم الهی باید مستثنی باشند اگر قاضی از حکم الهی تجاوز بکند حکمش قتل است خوب است ماهه این مرات را در نظر بگیریم اگر ما موفق شویم که بیاری خدایان قانون را در تراز مجس بگذاریم خیلی خوب یکی از بهترین کار های دوره پنجم هیچ کاری نکنیم و همین نظام اجباری با قانون میزری را بگذاریم بهترین کارها خواهد بود از این جهت بنده عقیده مندم که هر چه زودتر این قانون باید بگذرد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی نیست.

بعضی گفتند کافی نیست.

رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیش نهادها قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد می شود که ماده ۱۰ حکم شرع و ائمه جماعت مجاز از مراجع تقلید و مدرسین درجات عالی علوم معقول و منقول و بیست و یک سالگی برود معلمی کند او بهتر میتواند بشاگردان چیز یاد بدهد اما راجع به طبیب با این نظری که مخصوصاً مادر محفوظ داشتن اصول حفظ الصحه در نظر داریم و میگوایم در همه جاد کترها را محدود کنیم تا هر کس نتواند به اسم دکتر بودن اسباب زحمت و هلاکت هزاران بی گناه را فراهم آورد اگر ما قبایل شویم

بنده حذف ماده ۱۰ قانون سر باز گیری را پیش نهاد می نمایم. شیخ جلال بنده پیش نهاد میکنم که ماده دهم از قانون سر بازی گیری عمومی بالمره حذف شود. عرض می کنم.

بنده پیش نهاد می کنم که بعد از کلمه پیش نمازان مساجد اضافه شود و بیستین اسلام و وعظ دست غیب.

بنده پیش نهاد می کنم ماده دهم این اصلاح شود ماده دهم حکام شرع مجاز از مراجع تقلید یا فتوی و مدرسین مجاز برای تدریس علوم معقول و منقول و بیست نمازان مساجد تا آخر صدر العلماء

تبصره ذیل را پیش نهاد می کنم اشخاصی که تبعیت ایران را قبول می کنند بکنند از سر بازی معاف خواهند بود میرزا آقا خان بنده پیش نهاد می کنم در ماده ۱۰ بعد از لفظ مدرسین دو کلمه درجات عالی حذف شود. رضا دامغانی

پیش نهاد می نمایم ماده ۱۰ بشرط ذیل اصلاح شود ماده ۱۰ حکام شرع که از دو نفر مراجع تقلید اجازه صریح اجتهاد داشته و مدرسین علوم معقول و منقول در مساجد و مدارس الی آخر - حاج سید المحققین پیش نهاد آقای مشار اعظم ماده ۱۰ باین نحو اصلاح هود مجتهدین و مدرسین درجات عالی علوم معقول و منقول و طبیبان چنین معلمین علوم عالیه ریاضیات و طبیعیات از خدمت سر بازی معاف خواهند بود.

پیش نهاد آقای طهرانی - بنده پیش نهاد می نمایم ماده ۱۰ حذف شود.

پیش نهاد کی استوان ماده ۱۰ این طور اصلاح شود حکام شرع مجاز از مراجع تقلید و مدرسین درجات عالی علوم معقول و منقول و بیست نمازان مساجد که از یک سال قبل تصدی شغل امامت جماعت بوده باشند هر گاه در سن سر بازی واقع شوند شش ماه تحت السلاح خواهند بود.

رئیس - ماده یازدهم قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۱ از خدمت سر بازی معاف خواهند بود

مغیر - این جا باید یک اصلاح عبارتی شود

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتاً در دامغانی اولاً بنده آقای مغیر توضیح میگوایم بخدمت معتمدین علیه السلام و قوم و حضرت عبدالعظیم علیها السلام شامل امام زاده همام می شود؟ تا اینکه فلسفه اینست که متولیان مدارس قدیمه را معاف کرده اند چیست؟ اگر متولی مشمول ماده دهم است یعنی مجاز از طرف حکام شرع است البته معاف است و اگر مشمول ماده دوازدهم یعنی از طلاب است که باز معاف است ولی

اگر متولی نه مشمول ماده دهم و نه مشمول ماده دوازدهم باشد دیگر چه باید معاف مستثنی باشد و این فلسفه ندارد

مغیر - ایراد اولی که آقا فرمودند البته شامل حال اما کن مهمه خواهد بود و این مسئله در نظامنامه خود وزارت جنگ درست توضیح داده خواهد شد که شامل کدام بقاع متبر که خواهد بود در این جا چون نمی شود تمام مطالب را صریح کرد از این جهت در نظامنامه که وزارت جنگ ترتیب خواهد داد تصریح خواهد شد

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی بنده با این ماده بکنی مخالفم این ماده را بکنی از یاد استثناء را بی مورد میدانم زیرا فردا هر کس که از پهلوئی یک امام زاده هود می کند میخواهد خودش را معاف کند در جاهاییکه حقا باید معاف باشند آقایان اعتراض می کنند ولی در این جا واقعا معنی ندارد که یک عده اشخاص بدون هیچ مجوزی معاف باشند آن عشره که فلان متولی از فلان بقعه می گیرد او را بدهد بگیری و خودش برود بخدمت نظامی دیگر دلیل ندارد معاف باشد اما پیش نهاد میکنم که این ماده بکنی حذف شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در این جا با هر دو قسمت بیانات آقا مخالفم برای اینکه ما حقیقه علاقه مندیمان نسبت به این مسئله بیشتر است و بیشتر ما متوجه هستیم به اینکه این مسئله عمومیت پیدا کند و این کتاب جهادی که از این رفته است زنده شود و طلاب مدارس هم باشوق زیادی متوجه این قسمت هستند اگر نظر مشابه تشویق مدارس است باید از راه دیگر تشویق کنیم مثل آن پیشنهادی که در دوره چهارم آقای تدین نسبت به مدارس قدیمه کردند و دولت را توجه دادند به اصلاح مدارس قدیمه اما نسبت بهونفر مدرس که فرمودید.

عرض می کنم که مسلماً هر مدرسه دو مرتبه دارد یک مرتبه مقدماتی و یک مرتبه مؤخراتی و هیچ مدرسه نیست که این دو مرتبه را نداشته باشد در مدرسه یک مرتبه مقدماتی است که عبارتست از صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و مرتبه مؤخراتی هم عبارتست از فقه و اصول و اگر طلب بخواند طلب است

بنا بر این در هر مدرسه دو مدرس دارد یکی مدرس مقدماتی و یکی مدرس مؤخراتی و هیچ مدرسه نیستی که در آن جا علوم مقدماتی و مؤخراتی تدریس نشود و به علاوه تکلیف فرع بر وجود است. اگر مدرسه باشد که دو مدرس نداشته باشد و یکی داشته باشد البته در آن موقع یکی هم کفایت میکند.

رئیس - آقای یاسائی.

باشد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتاً در دامغانی - بنده از نقطه نظر حفظ اصول دیانت که مستلزم این است که علوم دینی ترویج پیدا کند و از برای تحصیل تشویق شده باشد معتمدین باینکه طلاب پس از اینکه امتحان دادند و تصدیق شد باینکه طلبه هستند باید اصلاً معاف باشند و با یک تحت السلاح بودنشان بنده مخالفم دیگر اینکه اینجا نوشته است از متولسی مدرسه و دو نفر مدرس تصدیق داشته باشند.

کلید این قرض در مدارس است که دو یا سه مدارس داشته باشند ولی خیلی از مدارس هست چه در مرکز و چه در ولایات که فقط یک مدرس دارد در این صورت آن وقت باید از یک نفر مدرس دیگر از کجا تصدیق نامه بگیرد؟ عقیده بنده این است که همان یک نفر مدرس کافی است و علاوه پس از اینکه طلاب امتحان دادند معلوم شد که حقیقه طلبه هستند و برای سر بازی نیست اساساً باید از خدمت سر بازی معاف باشند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در این جا با هر دو قسمت بیانات آقا مخالفم برای اینکه ما حقیقه علاقه مندیمان نسبت به این مسئله بیشتر است و بیشتر ما متوجه هستیم به اینکه این مسئله عمومیت پیدا کند و این کتاب جهادی که از این رفته است زنده شود و طلاب مدارس هم باشوق زیادی متوجه این قسمت هستند اگر نظر مشابه تشویق مدارس است باید از راه دیگر تشویق کنیم مثل آن پیشنهادی که در دوره چهارم آقای تدین نسبت به مدارس قدیمه کردند و دولت را توجه دادند به اصلاح مدارس قدیمه اما نسبت بهونفر مدرس که فرمودید.

عرض می کنم که مسلماً هر مدرسه دو مرتبه دارد یک مرتبه مقدماتی و یک مرتبه مؤخراتی و هیچ مدرسه نیست که این دو مرتبه را نداشته باشد در مدرسه یک مرتبه مقدماتی است که عبارتست از صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و مرتبه مؤخراتی هم عبارتست از فقه و اصول و اگر طلب بخواند طلب است

بنا بر این در هر مدرسه دو مدرس دارد یکی مدرس مقدماتی و یکی مدرس مؤخراتی و هیچ مدرسه نیستی که در آن جا علوم مقدماتی و مؤخراتی تدریس نشود و به علاوه تکلیف فرع بر وجود است. اگر مدرسه باشد که دو مدرس نداشته باشد و یکی داشته باشد البته در آن موقع یکی هم کفایت میکند.

رئیس - آقای یاسائی.

باشد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

یاسائی - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مغیر کردند موافق شدم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهادت قرائت میشود. (بمضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای کی استوان - در ماده ۱۲ لغت (مدارس قدیمه) تبدیل به (مدارس روحانی) شود.

پیشنهاد آقایان سر کشیک زاده و مسارات - بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۲ حذف شود.

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد می کنم یک سال تبدیل به شش ماه بشود. پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوازده تصدیق یک نفر مدرس و متولی برای کتب کافی باشد.

پیشنهاد نهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد میکنم طلاب مدارس قدیمه در صورتیکه حقیقه طلبه باشند مطلقاً از خدمت سر بازی معاف هستند.

رئیس - ماده ۱۳ (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده (۱۳) - معصلینی که در مدارس عالیه داخله یا خارجه منتظاً مشغول تحصیل باشند و سن سر بازی برسد تا موقع اكمال و اتمام تحصیلاتشان در رشته که از اول شروع نموده باشند از خدمت نظامی معاف هستند و آنهاستیکه از مدارس مزبوره تصدیق نامه رسمی (دوبلیم) داشته باشند مدت خدمت تحت السلاح آنها قطعش ماه خواهد بود.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده با این ماده مخالف نیستم لیکن فقط میگوایم به آقای آقا سید یعقوب عرض کنم که این جامع معصلینی که در مدارس خارجه و داخله هستند مدت تحت السلاح آنها را شش ماه فرار داده اند ولی مال طلاب مدارس قدیمه را یک سال فرار داده اند و بنده نمی دانم مقصود از این فرقی که بین معصلین مدارس قدیمه و مدارس جدیده داخله و خارجه گذاشته آید چیست؟

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب بنده مخالفم با این ماده ابتدا استثناء نباید بشود از اول تا آخر باید باشند.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین (اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - بنده عرض ندارم.

رئیس - آقای مسارات (اجازه)

مسارات - بنده با تمام این استثنائات مخالف بودم و مجال نکردم عرض کنم برای اینکه اگر میگوایم قشون داشته باشیم باید استثنائات را قائل شویم دولت این ملاحظاتی را که نسبت به بعضی اشخاص کرده است و برای احترامات بعضی مقامات اینطور مقرر داشته است بنده اینها را بحسب ظاهر درست میدانم ولی در باطن بنده می بینم آقایانی که طرفداری از آنها میکنند بر علیه آنها حرف میزنند زیرا معنی حقیقی معصل این نیست که نظام نهمند و معنای ملا این نیست که نظام نماند.

هیچکس اینها با نظام منافات ندارد و بنده سالهای سال بود که تقاضا آرزو میکردم که این قانون بیاید به مجلس و این از بهترین و قویترین است.

زیرا قانونی است که یک مملکت مرده را میتواند زنده کند و بنده امروز این عقیده را پیدا نکردم اما بلکه عقیده سال است که این عقیده را برای خود انتخاب کرده ام محل باید در سن بیست و یکسالگی داخل خدمت نظام شود و اینهاست که تالیست و یکسالگی دبلیم نگرفته اند به نظر منی آید که دیگر قابل ولایت از برای گرفتن دبلیم باشند.

حالا ممکن است این موفق نشدن بگرفتن دبلیم بواسطه ترتیبات دخول و خروج مدرسه بوده است که در این بین یک وقفه هائی پیدا شده است که نتوانسته است دبلیم بگیرد.

حالا آمده اند گفته اند معصلین اگر دبلیم داشته باشند یا نیمه تحصیلشان باقی مانده باشد از خدمت سر بازی معاف هستند بنده عقیده دارم که باید استثناء خارج شود و معصل هر کس میخواهد باشد باید در سال خدمت نظامیش را عمل کند مثل اینکه دو سال در مدرسه دارالفنون تحصیل میکند از هیچ فرق نمیکند و بنده معتقدم که باید تمام ایرانیها دو سال تحت السلاح باشند. مغیر - اینها از ایراداتی که آقایان محترم فرمودند معلوم شد که یک افکاری ضد و نقیض بکند گرهست

آقای دامغانی و آقای یاسائی اینجا یک افکاری را اظهار داشتند که ضد و نقیض بکنند دیگر بود.

در این جا نسبت به علوم دینی هیچ استثنائی نشده است مثلاً آن طلابی که در نجف و در جا های خارج از ایران تحصیل میکنند شامل این ماده هستند منتهی یک اشخاصی که مشغولند بتحصیلات خیلی عالی مثل طب و مثل قضاوت اینها در حین اینکه مشغول بتحصیل هستند.

آقا میرزا شهاب الدین - بنده عرض ندارم.

رئیس - آقای مسارات (اجازه)

مسارات - بنده با تمام این استثنائات مخالف بودم و مجال نکردم عرض کنم برای اینکه اگر میگوایم قشون داشته باشیم باید استثنائات را قائل شویم دولت این ملاحظاتی را که نسبت به بعضی اشخاص کرده است و برای احترامات بعضی مقامات اینطور مقرر داشته است بنده اینها را بحسب ظاهر درست میدانم ولی در باطن بنده می بینم آقایانی که طرفداری از آنها میکنند بر علیه آنها حرف میزنند زیرا معنی حقیقی معصل این نیست که نظام نهمند و معنای ملا این نیست که نظام نماند.

هیچکس اینها با نظام منافات ندارد و بنده سالهای سال بود که تقاضا آرزو میکردم که این قانون بیاید به مجلس و این از بهترین و قویترین است.

زیرا قانونی است که یک مملکت مرده را میتواند زنده کند و بنده امروز این عقیده را پیدا نکردم اما بلکه عقیده سال است که این عقیده را برای خود انتخاب کرده ام محل باید در سن بیست و یکسالگی داخل خدمت نظام شود و اینهاست که تالیست و یکسالگی دبلیم نگرفته اند به نظر منی آید که دیگر قابل ولایت از برای گرفتن دبلیم باشند.

حالا ممکن است این موفق نشدن بگرفتن دبلیم بواسطه ترتیبات دخول و خروج مدرسه بوده است که در این بین یک وقفه هائی پیدا شده است که نتوانسته است دبلیم بگیرد.

حالا آمده اند گفته اند معصلین اگر دبلیم داشته باشند یا نیمه تحصیلشان باقی مانده باشد از خدمت سر بازی معاف هستند بنده عقیده دارم که باید استثناء خارج شود و معصل هر کس میخواهد باشد باید در سال خدمت نظامیش را عمل کند مثل اینکه دو سال در مدرسه دارالفنون تحصیل میکند از هیچ فرق نمیکند و بنده معتقدم که باید تمام ایرانیها دو سال تحت السلاح باشند. مغیر - اینها از ایراداتی که آقایان محترم فرمودند معلوم شد که یک افکاری ضد و نقیض بکنند گرهست

آقای دامغانی و آقای یاسائی اینجا یک افکاری را اظهار داشتند که ضد و نقیض بکنند دیگر بود.

در این جا نسبت به علوم دینی هیچ استثنائی نشده است مثلاً آن طلابی که در نجف و در جا های خارج از ایران تحصیل میکنند شامل این ماده هستند منتهی یک اشخاصی که مشغولند بتحصیلات خیلی عالی مثل طب و مثل قضاوت اینها در حین اینکه مشغول بتحصیل هستند.

چطور میتوانند يك مدتی وقت خودشان را تلف کنند برای اینکه بیاید بر کز و مجدداً مراجعت کنند ؟ و علاوه ممکن است دولت هم از تأخیر تحصیل آنها يك صدمه بخورد از نقطه نظر نداشتن متخصص در بعضی علوم ملی وقتی که آنها تحصیلات خودشان را تکمیل نمودند و برگشتند آمدند اینجا آن وقت آن شش ماه خدمت نظامی آنها مطابق است با دو سال خدمت نظامی اشخاص متعارفی برای اینکه دارای يك فکر و عقل روشن است که مسأله را که با او میآموزند زودتر از سایرین یاد بگیرد قادر است باینکه يك چیزی را که با او میگویند زود یاد بگیرد و دولت هم میتواند از او استفاده هائی بکند و مقصود از این پیشنهاد این بوده است که اینها تحصیلات فنی از قبیل مهندسی وغيره را بنمایند زیرا همه اینها بدر نظام میخورند.

يكی طب تحصیل کرده يکی مهندس تحصیل میکند البته همه بدر نظام نتوانند خورد و زوری همرفته اغلب تحصیلات عالی است که بدر نظام و جامعه سر باز گیری میخورند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مدرسین - بنا اجازه خواستام رئیس - چند نفر قبل از بنا با عالی اجازه خواستند

مدرسین - خیلی خوب این دو ماده با سستی مثل هم باشد

رئیس - پیشنهاد شده است این ماده حذف شود

مدرسین - حذف نباید بشود باید مثل هم شود

رئیس - ماده چهارده (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده چهارده - شاگردان فارغ التحصیل مدارس متوسطه که دارای تصدیق نامه رسمی دیپلم باشند در صورتیکه بسن هیجده بالغ شوند می توانند بدون قرعه داوطلبانه داخل خدمت تحت السلاح بشوند.

این جا در صورت اختیار است ولی آن جا در صورت اجبار است (همه به این نمایندگان)

آقایان خوبت صبر کنند و بفرمائید آقایان بنده منبر براروم بعد از آقایان دیگر خواستند منبر بروند علت این که نظام اجباری را بیست و يك سال قراردادند آقایان اعضا کمیسیون بنده هم مخالف بودم و عقیده ام این بود که هیجده سال با نوزده سال باشد برای این بود که دلیل و منطق شان این بود که هیجده ساله نابل از برای نظام نیست باید بیست و يك سال باشد بنده عرض میکنم اگر دلیل همین است که بیست و يك ساله باید داخل شود پس هیجده ساله را نباید آورد داخل نظام کرد و اینکه میفرمائید بیست و يك سالگی اجباری است و در هیجده سالگی اختیاری این را بنده ملتفت نشدم اگر سن هیجده ساله می تواند از عهده خدمت نظام بر آید همان جا راه میاید هیجده سال فرار بدهند و اگر نمی توان این جا راه میاید مثل آنجا فرار بدهند وزیر فواید عامه - هیجده ساله تحصیل کرده غیر از بیست و يك ساله تحصیل نکرده است

اساساً هر فرد از افراد ایرانی وقتی که بسن هیجده سال رسید در آن سن

دارند نظر شوروی است نه نظر مخالفی مثل ماده قبل که بنده هم مخالف بودم و هم بطور بعضی از آقایان هم مخالف بودند و بالاخره آقای مدرس فرمودند که باید مساوی باشد.

تضیه نظام اجباری مسلم است و بنده عقیده ام این است که هر ایرانی وطن خواه مسلمانی باید عقیده اش این باشد که قانون نظام اجباری در ایران حریان پیدا کند.

حالا بعضی اصلاحات لازم دارد از قبیل اینکه در این ماده يك امتیازی گذارده شده در حالیکه افزایش امتیاز مال آن کسی است که در تحت سلاح می رود.

شخص بنده امتیاز و امتیاز را در این می دانم که برای عالم اسلام و مملکت خدمت نماید ولی بعضی از آقایان يك نظریاتی دارند و بعضی از آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است و مقصود از این نظریات اصلاحات عبارتی است

در ماده چهارده میگوید: شاگردان فارغ التحصیل مدارس متوسطه که دارای تصدیق نامه رسمی دیپلم باشند در صورتیکه بسن هیجده بالغ شوند می توانند بدون قرعه داوطلبانه داخل خدمت تحت السلاح بشوند.

این جا هم یک جمله اضافه کرده اند در صورتیکه خود شما در قانون نوشته این در سن بیست و يك سالگی

این جا در صورت اختیار است ولی آن جا در صورت اجبار است (همه به این نمایندگان)

آقایان خوبت صبر کنند و بفرمائید آقایان بنده منبر براروم بعد از آقایان دیگر خواستند منبر بروند علت این که نظام اجباری را بیست و يك سال قراردادند آقایان اعضا کمیسیون بنده هم مخالف بودم و عقیده ام این بود که هیجده سال با نوزده سال باشد برای این بود که دلیل و منطق شان این بود که هیجده ساله نابل از برای نظام نیست باید بیست و يك سال باشد بنده عرض میکنم اگر دلیل همین است که بیست و يك ساله باید داخل شود پس هیجده ساله را نباید آورد داخل نظام کرد و اینکه میفرمائید بیست و يك سالگی اجباری است و در هیجده سالگی اختیاری این را بنده ملتفت نشدم اگر سن هیجده ساله می تواند از عهده خدمت نظام بر آید همان جا راه میاید هیجده سال فرار بدهند و اگر نمی توان این جا راه میاید مثل آنجا فرار بدهند وزیر فواید عامه - هیجده ساله تحصیل کرده غیر از بیست و يك ساله تحصیل نکرده است

اساساً هر فرد از افراد ایرانی وقتی که بسن هیجده سال رسید در آن سن

هنوز زود است داخل خدمت سر بازی شود ولی پس از آنکه کسی مدرسه متوسطه را تمام کرد البته او يك زمانی نسبت به آن اشخاصی که تحصیلات متوسطه را تمام نکرده اند دارد و علاوه در همان حالی که خدمت نظامی واجب و لازم است ملاحظه افراد این مملکت را هم باید کرد.

يك کسی مدرسه متوسطه را تمام کرده حالا چه بکند تا بسن بیست و يك سالگی برسد؟

اگر برود دنبال تحصیلات عالی که از هیجده سال تا بیست و يك سالگی برای او این مدت کافی نیست

ناچار است یا دنباله تحصیلاتش را قطع کند و باینکه او را معاف بکنند و به این جهت میگویند کسی که مدرسه را تمام کرد این شخص داوطلبانه می تواند قبول خدمت نظامی را بنماید چرا؟

برای این که میخواهد بعد از زندگانی خودش را مرتب کند و برای ترویج این آن کسی که تحصیلاتی کرده است و آن کسی که نکرده آمده اند مدت خدمت او را يك سال قرار داده اند و بعد از آنهم می رود دنبال تحصیلات خودش و این یکی از مواد خوب این قانون است و در تمام جاهائی که قانون نظام اجباری دارند این ماده را بیش پیش بینی کرده اند جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - پیش نهادها قرائت میشود (بعضیون ذیل خوانده شد)

پیش نهاد آقای اشکر - بنده پیش نهاد میکنم ماده ۱۴ اینطور اصلاح شود طلب و شاگردان فارغ التحصیل مدارس که الخ پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب بنده **رئیس** - پیش نهاد میکنم که ماده ۱۴ حذف شود

(شرح آتی قرائت شد)

ماده پانزده - اشخاص معلولی که اساساً از خدمت سر بازی معافند از قرار ذیل میباشد

۱- نابینایان از چشم راست

ب- قوزی الخ

ج- کر

د- لال

ه- شل و لال

اشخاص دیگری که ضعیف البته یا مریض باشند جزو قرعه محسوب میشوند و معافیت مطلق یا موقت آنها تصدیق اطباء نظام خواهد بود

ولی معافین موقت بخرج دولت معالجه خواهند شد

وزیر فواید عامه - در این ماده يك اصلاح عبارتی مختصری شده است: عوض نابینایان از چشم راست باید نوشته شود

نابینایان از يك یا دو چشم اعم از اینکه

چشم راست باشد یا چشم چپ

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - اشخاصی که بواسطه علت مزاج از خدمت سر بازی با سستی معاف باشند البته متحصصین نظام بهتر تشخیص میدهند و البته با بودن آقای دکتر امیر اعلم در کمیسیون نظام این ملاحظات شده است و بنده فقط يك اشکال عبارتی دارم و آن این است که لفظ معلول استعمالش در این جا غلط است برای این که لفظ معلول معنی مرض لازم است اسم مقبول ندارد و باید طویل نوشته شود زیرا معلول بمعنی چیزی دیگر است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - صحیح است باید علیل باشد.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین (اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - بنده هم موافقم.

رئیس - پیش نهادها قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای احتشام الحکماء - بنده ماده پانزده را این طور عقیده دارم اصلاح شود.

ماده ۱۵ - اشخاص معلولی که اساساً از خدمت سر بازی معافند از قرار ذیل میباشد

الف - عورتان و احوال مطلقاً

ب - قوزی الخ

پیش نهاد آقای افشار - بنده پیش نهاد می کنم اشخاص مسلول و سفلس و بیک و آنها را یک دکتر مخصوص بپوشونی مسری بودن امراض موجوده در آنها را تصدیق نموده باشد از خدمت در نظام معاف باشد

رئیس - اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده شانزده (شرح ذیل قرائت شد)

ماده شانزدهم - هر مرد یازنی که سنش به هفتاد رسیده یا بواسطه علت مزاج از اداره امر معاش خود عاجز باشد فقط يك پسر داشته باشد که کفالت امر او را بنماید مادامی که کفالت بعهده او است از سر بازی معاف است.

رئیس - آقای دامغانی يك نفر از نمایندگان تشریف ندارند

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - مخالفت بنده راجع بسن است در این جا معین کرده است که هر

مرد یازنی که سنش به هفتاد رسیده باشد این غلط است باید نوشته شود

هر مرد یازنی که عاجز باشد از اداره امورش و کفالتش و سرش متکفل مخارج او باشد:

زیرا ممکن است زن پنجاه ساله باشد که عاجز از اداره کردن مخارج خودش باشد و اگر این لفظ سن هفتاد برداشته شود بنده هم موافقم

مغیر - پیش نهاد کفایت در کمیسیون مذاکره می شود

رئیس - ماده ۱۷ قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده هفدهم - هر مرد یازنی که يك پسرش تحت السلاح باشد و پسر دیگر او بسن سر بازی برسد مادام که پسر اول از خدمت تحت السلاح فارغ نشده یا سیم او بسن هیجده نرسیده پسر دوم از سر بازی معاف است.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرض ندارم جمعی از نمایندگان - مخالفت ندارد

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرض ندارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - ماده بیست و يك (شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و يك - هر مرد یازنی که بسن سر بازی برسد مادام که پسر اول از خدمت تحت السلاح فارغ نشده یا سیم او بسن هیجده نرسیده پسر دوم از سر بازی معاف است.

بین اینکه يك پسر یاد و پسر داشته باشد و وقتی که بسن سر بازی رسیده باید قرعه پندار آنها کشیده شود مگر اینکه زن عاجز باشد از اداره کردن زندگانش آن وقت ماده شانزده تکلیف او را معین کرده است و حکمش در آنجا شده است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفت آقای مساوات را نمی بینم از چه نقطه نظر است اینجا اشخاصی که رسیده اند بسن سر بازی می آیند از میان آنها قرعه میکشند يك کسی سه پسر دارد يك پسرش بسن هیجده سال نرسیده است يك پسرش هم رفته است تحت السلاح باید بگفتند که امور خانه را اداره نماید و کفالت مخارج خانه را بکند؟

مقاوتون سر باز گیری عمومی را که می نویسیم برای محفوظ بودن خانواده ها است شما میفرمائید همه بروند جنگ آن وقت کار این بیچاره را کی میکند ؟ اگر این يك پسر هم برود جنگ که مادرش از گرسنگی می رود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده هیجده (شرح ذیل قرائت شد)

ماده هیجدهم - هر مرد یازنی که بسن سر بازی برسد مادام که پسر اول از خدمت تحت السلاح فارغ نشده یا سیم او بسن هیجده نرسیده پسر دوم از سر بازی معاف است.

مقاوتون سر باز گیری عمومی را که می نویسیم برای محفوظ بودن خانواده ها است شما میفرمائید همه بروند جنگ آن وقت کار این بیچاره را کی میکند ؟ اگر این يك پسر هم برود جنگ که مادرش از گرسنگی می رود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده هیجده (شرح ذیل قرائت شد)

ماده هیجدهم - هر مرد یازنی که بسن سر بازی برسد مادام که پسر اول از خدمت تحت السلاح فارغ نشده یا سیم او بسن هیجده نرسیده پسر دوم از سر بازی معاف است.

پسر دیگرش بسن سر بازی رسیده مادام که پسر دیگر بسن هیجده نرسیده نماند آن پسر از خدمت سر بازی معاف است

رئیس - مخالفتی ندارد؟ جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - ماده نوزده (شرح ذیل قرائت شد)

ماده نوزدهم - هر زن بسن سر بازی رسیده و غیر از او پسر سالمی که قادر بکفالتش باشد ندارد مادام که این وضعیت باقی است آن پسر از خدمت سر بازی معاف است.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - (شرح ذیل قرائت شد)

ماده هفدهم - هر مرد یازنی که يك پسرش تحت السلاح باشد و پسر دیگر او بسن سر بازی برسد مادام که پسر اول از خدمت تحت السلاح فارغ نشده یا سیم او بسن هیجده نرسیده پسر دوم از سر بازی معاف است.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرض ندارم جمعی از نمایندگان - مخالفت ندارد

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بنده عقیده ام این است این ماده را با ماده شانزده باید در تحت يك ماده نوشت.

رئیس - ماده بیست (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده بیستم - هر جوانیکه بسن سر بازی رسیده و مدیر يك خانواده است و در آن محل از پدر زن و یا برادر زنی که بسن بیست و پنج رسیده باشد ندارد مادام که این وضعیت باقی است از خدمت سر بازی معاف است.

رئیس - مخالفتی ندارد؟ جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - ماده بیست و يك (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده بیست و يكم - هر جوانی که بسن سر بازی رسیده و وصی یا قیمی باشد باشد که بفرز او برای اداره امور آن یتیم شغلی دیگری نباشد مادام که این وضعیت باقی است از خدمت سر بازی معاف است.

رئیس - مخالفتی دارد؟ آقای آقا سید یعقوب بنده مخالفم.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرض ندارم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض ندارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - عرض ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

یک نفر از نمایندگان - تشریف ندارند.

رئیس - آقای سرکشیک زاده

(اجازه)

(حاضر نشده بودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اینجا آقایان قدری توجه بفرمائید شاید عرض بنده در کمیسیون محل توجه واقع بشود اینجا نوشته است:

هر جوانی که بسن سر بازی رسیده و وصی یا قیمی باشد که به غیر از او برای اداره امور آن یتیم شغلی دیگری نباشد وصی اداره امور در دستش نیست قیمت اداره امور در دستش است کسیکه وصی در اموال است نه وصی در امور باید تفسیر شود که قیم در اداره امور باید مستثنی باشد نه اینکه وصی مطلق مستثنی باشد.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین (اجازه)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ بعضی از نمایندگان - بلی کافیت؟

رئیس - ماده ۲۲ (شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۲ - هر جوانی که بسن سر بازی رسیده متصرف آکیل معیشت جد یا جدید با علیل از کار افتاده خود باشد مادام که حال بدین متوال است از خدمت سر بازی معاف است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - مخالفتی ندارد؟ جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا یزدان الله خان (به عبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۲ در آخر سطر اول بعد از کلمه معیشت اضافه شود:

عیال و اطفال خود الخ.

رئیس - ماده ۲۳ (بعضیون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۳ - هر گاه در مجلس بدویسر يك نفر قرعه اصابت نماید هر يك را که پدر معین کند تحت السلاح رفته و آن دیگری بدوسال بعد تعلیق می شود.

و هر گاه قرعه بيکی از دویسر يك نفر که در يك سال بسن سر بازی رسیده اند اصابت نماید پدر می تواند پسر دیگر را بشرط رضایت او بجای آن يك قرعه بنام او اصابت کرده بسر بازی روانه سازد.

رئیس - مخالفتی ندارد؟ یاسائی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

یاسائی - مخالفت بنده از این نقطه نظر است که این لفظ تعلیق این جا درست معنی نمیدهد.

نوشته است هر گاه در مجلس قرعه

بدو پسر يك نفر قرعه اصابت نماید هر يك را که پدر معین کند تحت السلاح رفته و آن دیگری بدو سال بعد تعلیق می شود.

اساساً گفته شد اینجا که اشخاصی که سستان به بیست و يك سالگی رسید آنها باید داخل خدمت نظامی بشوند باینطور که افراد را بیکم قرعه از میان آنها انتخاب میکنند ولی تکلیف بعد از این مدت راقانون معین نکرده اگر قرعه در يك حوزه سر باز گیری بیست نفر سر باز ملازم داریم بگیریم و صد نفرشان بسن بیست و يك سالگی رسیده باشند قرعه کشیدند بیست نفر آنها استخراج شده باشند آن نفرشان معاف میشوند.

و آنوقت در دفعه دوم یعنی دو سال بعد هم می آیم باز قرعه میکشیم و ده نفر از میان آنها استخراج میکنیم و باز هم ده نفر از آنها معاف می شوند و همینطور سال بعد اگر مقصود این است که هر سال این عده را جلب کنیم و در سر و پنج سالگی هم آنها را با ویریم و داخل نظام شوند که بنده مخالفم

زیرا اینجا گفته شده که در بیست و يك سالگی اگر قرعه کشیدند و بنام آنها اصابت نکرد دیگر معافند.

باید آنها را رها کنند بروند و در سال بعد يك عده اشخاص بیست و يك ساله دیگری را بیاورند و از میانشان انتخاب کنند.

ولی این جا میگوید: بدوسال بعد تعلیق میشود و این مفهومش این است که اگر در سال بعد باز قرعه بنامش در نیامد بدوسال دیگر که چهار سال بعد باشد معلق می شود و همینطور دو سال بدوسال بالا می رود تا بسن بیست تمام شود.

بنا بر این بنده عقیده ام این است که که اینجا باید تصریح شود که بعد از آنکه اشخاصی که در سن بیست و يك سالگی معاف شدند فقط ده دوم باید برای قرعه دعوت شوند و یا اینکه همین طور تا سن چهل و پنج سالگی هم هر سال که قرعه میکشند آنها را هم می آورند و یا اینکه همان دفعه اول که اسدشان در قرعه در نیامد معافند و اول که اسدشان در قرعه در نیامد معافند و اول که اسدشان در قرعه در نیامد معافند و اول که اسدشان در قرعه در نیامد معافند

مغیر - تصور میکنم آقا هم مصر اشباهی کرده اند.

اینجا مقصود اینست که اگر کسی دو پسر دارد هر دویسر با هم نروند بخدمت سر بازی در سال اول اگر يك پسرش رفته دوسال دیگر آن پسر دیگر اگر قرعه بنامش در آمد سر باز است و اگر در نیامد می آید مشمول ماده شش میشود

بعضی از نمایندگان - چه شد رئیس رأی گرفته مخبر کمیسیون خبر ردهد و مرخصی تصویب شد (رایت راجع برخصی آقا شیخ جلال بشر خ ذیل قرائت شد)

آقای آقا شیخ جلال نماینده محترم با ارائه تصدیق دوتفر از بزرگان اطباء بر لزوم مسافرت بجهت معالجه مرض قلبی تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ پانزدهم حمل کرده اند کمیسیون عقربان را مقتنع و موافق دانسته تصویب می نماید

رئیس - رای میگیریم برخصی آقای آقا شیخ جلال از پانزدهم حمل آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راپرت دیگر (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای صولت السلطنه نماینده محترم بواسطه گرفتاری های معلی مجبور به بیعت بوده تقاضای سه ماه مرخصی می نمایند که کمیسیون پس از مذاقه تصویب مینماید که از تاریخ پانزدهم حمل هزار و سیصد و چهار تا مدت دو برج قیام با اجازه باشند رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - آقای صولت السلطنه تا بحال دوسه مرتبه مرخصی خواسته اند و به ایشان اجازه داده شده ولی بجای اینکه تشریف ببرند بنده مینماید در طهران تشریف دارند از این جهت بنده مغایم

رئیس آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - همانظوری که آقای سر کشیک زاده فرمودند آقای صولت السلطنه اجازه مرخصی گرفته اند ولی در موقعی اجازه ایشان داده شد که یکمندی از مدتی که اجازه مرخصی خواسته بودند گذشته بود و به علاوه یکمندی هم مرخصی بوده اند و از آن اجازه استفاده نشده حالاً برای کارهای لازم ایشان اجازه خواسته اند برون

رئیس - رای میگیریم

آقایانی که مرخصی دو ماهه آقای صولت السلطنه را از پانزدهم حمل تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - خبر دیگر (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای ناصر الاسلام نماینده محترم برای استعلاج تقاضای غیبت از تاریخ پانزدهم حوت هزار و سیصد و سه تا اول حمل هزار و سیصد و چهار کرده اند کمیسیون عذر موجه ایشان را پذیرفته تصویب مینماید

رئیس آقایانی که مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - تصویب شد (بشرح آتی قرائت گردید)

نظر بلزوم توجه با اصلاح امور اقتصادی ملک امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم راپرت نفت گیلان جزء دستور جلسه آتی باشد

رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - بنده عقیده دارم که بهتر اینست مجلس شورای ملی در هر کاری که وارد میشود آن کار را با تمام برساند و پدیه کار دیگر بپردازد

یک عده لوایح پنجگانه است که از هر کدام آن ها چند ماده بیشتر باقی مانده است خوب است اگر آقایان موافق باشند راپرت راجع بنفت گیلان بگذارند

بعد از اینکه این لوایح با تمام تصویب شد آن وقت به مجلس بیاورند و در آن رأی بگیریم

رئیس - رای میگیریم

آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - بنده عرضم راجع به این مسئله بود که گذشت

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرضی ندارم

رئیس - آقای افشار (اجازه)

آقا میرزا رضا خان افشار - عرضی ندارم

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسماعیل عراقی - عرضی ندارم

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رئیس آقایانی که مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند

رهنما - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده میخواهم پیشنهاد کنم که لایحه سجز احوال قریب با تمام است و اجرای این قانون باید به هاست ولایحه قانون بنده هم از کمیسیون بیرون آمده و چند روز دیگر هم ممکنست همراه کمیسیون منقضی نشود و اگر در مجلس مطرح نشود این لایحه مجدداً محتاج بشدید نظر در کمیسیون جدید خواهد شد

بنابر این بنده تقاضا میکنم جزء دستور جلسه باشد و مطرح شود و بعد اگر خواستند یک لوایح مهمتری را جزء دستور کنند آن وقت بنده اعتراضی ندارم

رئیس - آقای تدین

بنده عقیده دارم اینست که آقای حائری - زاده صرف نظر از این پیشنهادشان بکنند و فردا همان قانون نظام اجاری جزء دستور باشد بعد از اینکه این قانون تمام شد آن وقت پیشنهاد ایشان جزء دستور شود

حائریزاده - بنده موافقم باشد

رئیس - پس بعد پیشنهاد کنید (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک منشی - علی اقبال المالک منشی - معظم السلطان

جلسه یکصد و چهل دوم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و پنجم حوت هزار و سیصد و سه مطابق نوزدهم شعبان المعظم ۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم قبل را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسماعیل عراقی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بعد از تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده هم قبل از دستور

عرض دارم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم نیست ؟

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک - تقریباً یکسال است که مفتراً در مجلس شورای ملی هستم مکرر شنیدم که از طرف نمایندگان محترم راجع به تبعیضاتی که در پرداخت حقوق وزارتخانه ها میشود تذکر داده شده و مخصوصاً راجع به پرداخت حقوق معلمین و اجزاء وزارت معارف تا اینکه مدرسه دار الفنون تعطیل شد

اخیراً بعد از تعطیل مدرسه دار الفنون مکرر خود بنده بودم که آقایان نمایندگان محترم خیلی عصبانی بودند و به دلیل تذکراتی دادند ولی نتیجه اش معلوم نشد تا دیروز که یک قضیه خیلی تأثر آورده است انگیزی بیش آمده است که حقیقت بنده نتوانستم خود داری کنم از اینکه امروز حتماً چند کلمه عرض نکنم و بیسم مبارک آقایان نرسانم که حقیقت اقدام عاجلی در این باب نشود و آن این بود که معلمین و معلمات پس از آنکه این مدت را صبر کردند و دیدند حقوق سایر وزارتخانه ها داده اند و بیش از یکی دو ماه دیگر باقی ندارند و آنها که باید قبل از همه حقوقشان را گرفته باشند مدت پنج شش ماه است نگرفته اند دیگر نتوانستند دوام بیاورند

وزیر مالیه هم دیروز آمد به تریبون و حقوق برج حمل را پیشنهاد کرد که تصویب شود آنها هم عصبانی شدند و میگویند در صورتی که پنج ماه حقوق ما نرسیده و بطور صحت حمل می شود پس تکلیف ما چیست

این بود که عموماً تعطیل کردند و آمده در ب وزارت مالیه حقیقت اگر یکی از نمایندگان ملت و حساسین ملت در آنجا بودند و میدیدند معلمین و معلمات چه میکنند خیلی اسباب تأسفشان میشد و حقیقت در انظار خارجه خیلی بد است و بنده نمایانم این تذکرات کرده ام میشود مکرراً از طرف مقام ریاست به دولت نوشته میشود ؟

اینجا بعد از واقعه ای که دیروز بنده دیدم تقاضا میکنم جدابولت تذکر داده شود که قبل از هر روز از نمایندگان حقوق معلمین و معلمات را بپهنند و علاج فوری برای معسارف بنمایند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسماعیل عراقی - بنده قبل از این که شروع به اظهار مقصود خود نمایانم یک تذکری به آقایان نمایندگان محترم می دهم و سه اصل از اصول قانون اساسی را می خوانم بعد مقصود خود را میگویم و از صدی این سه اصل نتیجه میگیرم

یکی اصل هجدهم است که می گویند

تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه

تغییر در وضع مالیات ها و رد و قبول عوارض و فروعات هم چنان میزبهای جدید که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود

اصل بیستم میگویند بودجه هر یک از وزارتخانه ها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد

اصل بیست و هفتم میگویند مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسؤل در آنکار اخطار خواهد کرد

وزیر بوزیر باید توضیحات لازمه را بدهد

این سه اصلی است که در قانون اساسی نوشته شده

در اسامی هم گرفتاری های مجلس طوری بود که در هر برج یک لایحه از طرف دولت می آمد و یک دو از هم بودجه را تقاضا میکرد مجلس هم تصویب میکرد بعد از شش ماه که بودجه آمد به مجلس و مراجعه شد به کمیسیون بودجه

هر چیزی را خواستند جرح و تعدیل کنند می گفتند آقا نصف سال گذشته و آنها را که باید بگیرند گرفته اند و آنها را که باید بدهند داده اند با این حال بمعارف بدهت عراق چهار ماهه است حقوق داده نشده اسامی هم قبل از اینکه وارد حوت بشویم همه آقایان نمایندگان محترم متصل اخطار میکردند تقاضا میکردند که بودجه وزارتخانه ها به مجلس بیاید و دیگر گرفتار نشوند که هر روز یک دو از هم را بیاورند به مجلس و تقاضای تصویب بنمایند

متأسفانه بودجه وزارتخانه ها تا بحال به مجلس نیامده و ما خیال می کردیم که انشاء الله میاید ولی باز دیروز آقای وزیر مالیه آمدند و تقاضای یک دو از هم برای برج حمل کردند مطابق این اصولی که خواندم وزیر مالیه بقیده بنده مسؤل است و مجلس باید با ایشان اخطار کند که چرا مسامحه در اجرای قانون کرده اند

چون قانون میگوید شش ماه قبل از دخول در سال آتی باید بودجه حاضر شده باشد و پانزده روز قبل از عید نوروز بیاید به مجلس

حالا شش روز قبل از عید نوروز وزیر

مالیه میاید و تقاضای تصویب یک دو از هم برای برج حمل میکنند آنهم بطور چهار دیواری آنوقت همین طورها میشود که می بینید و همانطور که آقای مدبر الملک فرمودند باید معلمین و معلمات چند ماه بی حقوق بمانند بعضی از ادارات سه چهار ماه حقوقشان پتأخیر افتاد

آنوقت وزیر مالیه تقاضای یک دو از هم برای برج حمل میکنند در صورتیکه باید بوجه تقصیلی بیاید به مجلس و مجلس آنرا جرح و تعدیل کند

مثلاً یک مایاتی است که مجلس آنرا خوب نمیداند میخواهند آن را عوض کنند از سر مردم دفع کنند و یک مالیات عادلانه وضع کنند ولی با این ترتیب ممکن نیست و ما گرفتار میشویم مثل قضیه خانوازی میشود که میگویند آقایان شما رد کردید ولی ما گرفته ایم فایده ندارد

چیز عجیبی است که بودجه را بعد از آنکه مجلس نمی آوردند تا وقتی که مجبور شود یک دو از هم را تصویب کند

فرض بنده از تصدیق خاطر آقایان این بود که راجع به بودجه سه آتی این یک دو از هم را که وزیر مالیه آورده است در شش یک دقتی بفرمایند بلکه بودجه اسامی قبل از آنکه باین ابلاغاتی که عرض کردم گرفتار بشویم به مجلس بیاید و در مالیاتها اگر جرح و تعدیل لازم است بشود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

بعضی از نمایندگان - دستور

نایب رئیس - دستور قانون نظام اجاری است از ماده سوم مطرح است (ماده نهم بوجه شرح ذیل قرائت شد)

ماده سوم - اشخاصی که بدون مدد موجه در مجلس سرباز گیری حاضر نشده و کیلیم نفرستند و یا فرار کنند پس از ثبوت تقصیر بالای اسم آنها کلمه (قرهه) نوشته شده و بدون هیچ شرط و قیدی داخل خدمت سربازی میشوند

نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای باستانی (اجازه)

باستانی - بنظر بنده در این ماده که نوشته شده است پس از ثبوت تقصیر مینماید که ثبوت تقصیر در گنا اتفاق افتاده باشد

اینجا بطور کلی نوشته اند اشخاصی که فرار نمایند یا در مجلس قرهه حاضر نشوند پس از اینکه تقصیرشان ثابت شد کلمه قرهه بالای اسمشان نوشته میشود و بدون هیچ شرط و قیدی داخل در نظام میشوند

این ثبوت تقصیر بنظر بنده البته در محکمه که نخواهد بود و در همان مجلس سرباز

گیری است و اگر توضیح نشود شاید تولید یک مشکلانی میشود

بعلاوه بنده عقیده ام این است که فصل سوم (اگر آقای مخبر توجه بفرمایند) خوب است با فصل چهارم عوض شود یعنی قدیم و تأخیری بشود و بقیده بنده فصل چهارم را بر سوم مقدم باشد

مخصوصاً در ماه اخیر فصل سوم که حتماً باید بعد از فصل چهارم ذکر شود چون مطالبش طوری است که نباید قبل از آن ذکر شود

مثلاً در ماده سی و یک نوشته شده است بموجب تصویب مجلس حوزه سربازی گیری در صورتیکه هنوز تشکیل و ترتیب آن مجلس را نوشته اند آنوقت قلاً بسک موادی برایش مینویسند در صورتیکه اصل تشکیل این مجلس در چندین ماده بعد نوشته شده و این صحیح نیست که یک یک مواد را برگردانند یک قسمتی که در فصل بد است بنام علینا بنظر بنده باید این فصل چهارم ذکر شود در جایش عوض شود و راجع به ثبوت تقصیر هم قید شود که در همان مجلس قرهه تقصیرشان ثابت شود

مخبر - در این خصوص تصور میکنم اگر آقا توجه بفرمایند رفع اشکالشان بشود این ماده راجع بقضای قبل از قرهه و مجازات اشخاصی است که طفره می زنند و حاضر نمیشوند

لذا این مقدم بر قرهه است قرهه معلی است که بآن مشغول میشوند ولی این ماده راجع باشخاصی است که حاضر نمیشوند و ترتیب مجازات آنها را مینویسند و تصور نمیکند تأخیر و تقدمش تغییر اساسی در قانون بدهد البته طبعاً این قسمت پیش از آن است و اشکالی هم ندارد

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بیانی که آقای مخبر کردند بنظر بنده مجمل بود و بنده اعتراض آقای باستانی را وارد میدانم و این ماده یک اجامی دارد و آن این است که در ذیل ماده مینویسد بدون هیچ شرط و قیدی داخل خدمت سربازی میشوند ولی مدتش را معین نکرده و ممکن است که از این اجمال سوء استفاده شده و مدت سربازیشان امتداد یابد بنابراین بقیده بنده بهتر این است که این ماده را ملحق با ضمیمه نائیم بنامه قبل که نوشته شده سه سال باید تحت السلاح باشند و سنوات بعد از خیره مقدم و تالی و غیره در هر حال باید مراجعه شود بنامه قبل که اگر حاضر نشد مجازات او این است که حتماً فلان مدت هم باید خدمت تحت السلاح را انجام دهد ولی ماده با این ترتیب فعلی مجمل است و قانون نباید مجمل باشد و مقرر بشود لهذا این ماده مربوط شود بنامه قبل

مخبر - با سوابقی که آقا شیخ محمد علی در امور قانونی دارند بنده نمایانم جای مجمل این ماده کجا است ؟ و ملتفت نمیشود

در اینجا یک قیدی راجع بسلبه تقصیر شده است و آن این است که اگر کسی حاضر نشد یا وکیل نفرستاد یا طفره زد بدون آنکه قرهه بکشند باید داخل سربازی شود

البته وقتی در یک موضوعی قانون ساکت شد همان خدمتانی را باید این اشخاص انجام بدهند که دیگر آنها هم متوجه میشود مدتشان همان دوسال است

فقط فرقی که دارد این است که در مورد این قبیل اشخاص قرهه کشیده نمی شود و بدون قرهه باید داخل خدمت شوند در هر صورت این ماده خیلی روشن است جمعی از نمایندگان گمان مغان کثرت است نایب رئیس - پیشنهادها قرائت می شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقایان حاج سید المحققین و نهرانی - پیشنهاد مینمائیم در آخر ماده سی جمله ذیل نوشته شود داخل خدمت سربازی شده و موافق ماده دو با ایشان رفتار می شود

پیشنهاد آقا شیخ جلال - اصلاح ماده سی قانون سربازی گیری بعد از کلمه فرار کند اضافه شود مقرر محسوب میشوند

نایب رئیس - (خطاب با آقای ضیاء الواعظین) پیشنهاد جناب عالی جایز اینجاست چون راجع بقصود است باید در آخر قرائت شود

ضیاء الواعظین - بسیار خوب در آخر قرائت شود

نایب رئیس - ماده سی و یک (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سی و یک کسانیکه بموجب تصدیق هیئت مجلس حوزه سربازی گیری به عملیات اشخاص مذکور در ماده ۳۰-۳۱ امداد یا شرکت نمایند از یکماه تا سه ماه محکوم بچس قابل ایتباع میشوند و چنانچه امداد یا شرکت کنندگان در عملیات مذبوره از مامورین دولتی باشند علاوه بر مجازات مذبوره از خدمت دولتی نیز موقتاً متنصل میشوند

نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی -

اشخاصی که از خدمت سربازی فرار نمایند بدون قرهه سرباز میشوند البته قضاوت و حکومتش با همان مجلس حوزه سرباز گیری است

برای این که راجع بامور نظام و سربازی است

اما در این قسمت راجع باشخاصی که شرکت با کلمگی با فراریان کرده باشند

در این خصوص قاضی و حاکم باید مجلس جوزه سر باز گیری باشد که آن اشخاصی را که شرکت کرده اند و باقراریان مساعدت کرده اند آنها را بتواند بیک ماه یا سه ماه حبس محکوم کند و البته این ترتیب مستلزم دخالت قوه مجریه در قوه قضائیه خواهد بود و عقیده بنده این است که باید نوشته شود.

تشکیل به هم بنده مخالفم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. نایب رئیس - پیشنهادها قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقایان حاج سیدالمحققین و طهران - پیشنهاد می نماید در آخر ماده سی و یک بعد از کلمه موقوت نوشته شود از سه ماه تا شش ماه منقل می شود پیشنهاد آقای شیخ جلال - بعد از جمله یک ماه تا سه ماه اضافه شود.

بموجب حکم محکمه صالحه پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد می کند بجای امداد یا شرکت نوشته شود امداد نماینده پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده سی و یک کلمه قابل ایتباع حذف شود.

نایب رئیس - ماده سی و دو (ابطال و قرائت شد) ماده سی و دو - برای اجرای عمل فرجه در هر حوزه سر باز گیری مجلس مرکب از اعضاء مفصله ذیل تشکیل می شود

۱- حاکم مغل و رؤسای سایر دوایر کشوری. ۲- پنج نفر صاحب منصب و یک نفر طبیب نظامی با انتخاب فرمانده ناحیه لشکری.

۳- یک نفر از علماء و چهار نفر دیگر از معارف و معتمدین اهل محل به تعیین حاکم محل و دو نفر از اعضاء انجمن اهلالتی یا ولایتی (در صورت وجود آنها) ریاست مجلس مزبوره بعهده حاکم محل و نظارت آن را نماینده ارشد نظام و مسؤلیت مشترک که متوجه کلیه اعضاء آن خواهد بود.

نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه) شرح بمتدار دامغانی - البته تنظیم این ماده که بیست و پنج نفر رادخات داده است در امر سر باز گیری برای این است که مأمورین سوء استقاده نمایانند مردم از وظایف خودشان تعطل نکنند.

اینها بیست نفرشان از قواء مأمورین دولتی هستند و پنج نفر از جنبه ملی که چهار نفر آنها از معتمدین محل است و یک نفر هم از علماء و عقیده بنده این است رئیس بلده هم اضافه شود چون او هم یک جنبه ملی دارد و باید باشد.

دیگر اینکه در این ماده باید معلوم شود که تصمیبات این هیئت بچه شکل قاطع خواهد بود تصمیباتشان با نفاق قاطع است یا با اکثریت؟ البته منظور این است که تصمیبات آنها از روی اکثریت مناط است و هر چه اکثریت رای داد همان قاطع خواهد بود ولی در هر صورت باید در ماده قبیده

شود. مغیر - اولاً آنرا ملاحظه فرمودند که اینجانب نوشته شده حاکم محل و رؤسای سایر دوایر کشوری البته رئیس بلده هم جزو آنها خواهد بود.

اما اینکه فرمودند تصمیبات این هیئت بچه شکل اجراء میشود اینها که برای خود نمیروند نظام یک قوانینی دارد که واجب الاطاعه است ترتیبات کار هم حاضر است اینها در آنجا فقط برای نظارت عمل حاضر میشوند والا شور یا تصمیباتی ندارد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - پیشنهادها قرائت می شود. (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای کی استوان - شق سوم ماده (۳۲) به طریق ذیل اصلاح شود:

۳- یک نفر از تجار یک نفر از زارعین یک نفر از کارگران یک نفر از ملاکین یا اعیان یا معرنی هر طبقه بجا کم که حاکم از میان معرفی شد گان پنج نفر از طبقات پنجگانه فوق الذکر که بن و دو نفر از اعضاء انجمن ملی آخر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد می کنم که لفظ مجلس در ماده ۳۲ کلمه انجمن تبدیل یابد.

نایب رئیس - ماده سی و سه (شرح آتی قرائت شد) ماده (۳۳) وظایف مجلس سر باز گیری از فرار ذیل است - حق ۱- روزیکه برای عمل سر باز گیری معین شده مجلس مزبور در محل معین رسماً و علناً افتتاح شده ابتدا امر دولت قرائت و توضیح شده بعد عالمی که عضو مجلس است خطابه راجع بجهاد و نظام انشاء نموده بدهای دولت و ملت ختم مینماید.

۲- اسامی اشخاصیکه بمن سر باز رسیده اند از دفاتر مستخرج از اسامی وزارت جنگ و دفاتر نفوس محلی یک یک بصدای بلند خوانده شده و حاضر و غایب معین شده و اشخاص حاضر معاینه گردیده آنها یک قابلیت سر بازی ندارند خارج وسند معافیت بآنها داده میشود.

۳- مجلس باستاد اشخاصیکه بر طبق فصل دوم این قانون معاف میشوند رسیدگی کرده پس از ثبوت حقانیت آنها در مقابل اسامی آنان در دفتر سر باز گیری ذکر هل را نموده وسند معافیت بآنها میدهند.

۴- اشخاصیکه در دفتر اسامی نامشان ذکر شده و برای کار شخصی مسافرت کرده یا بواسطه مرضی نتوانند حاضر شوند و وکیل فرستاده باشند از وکیل آنها تحقیقات لازمه بعمل آمده هل عدم حضور و ولایت و عدم لیاقت و معافیت و عدم معافیت آنها در مقابل استشان قید و سند مقتضی ب وکیل

آنها داده خواهد شد. ۵- دفاتر ارسالی وزارت جنگ با دفاتر نفوس محلی تطبیق شده در صورت اختلاف علل و موجبات آن تحقیق معین و بر طبق آن عمل میشود و پس از اتمام عملیات مزبوره دفاتر مذکور بسته شده و با مضای تمام اعضاء مجلس خواهد رسید.

مغیر - در این ماده نمره یک چون جزو نظامنامه باید باشد از این قانون حذف میشود. جزو نظامنامه است. نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه) شرح بمتدار دامغانی - پس از حذف قسمت اول ماده عرض ندارم.

نایب رئیس - آقای باسانی (اجازه) باسانی - بنده ندانم چرا این قسمت راجع بنظامنامه است!

این يك مطلب خیلی مهمی است نوشته است روزیکه برای سر باز گیری معین شده مجلس مزبور در محل معین رسماً و علناً افتتاح شده ابتدا امر دولت قرائت و توضیح شده رسمیت مجلس - تشکیل مجلس - علنی شدن مجلس در این ماده ذکر میشود و باید حتماً جزو قانون باشد.

مسئله نظامنامه نیست اساس این مجلس را این ماده تصریح میکند و اینکه آقای مغیر فرمودند در این مجلس شود نمیشود.

بنده خیلی تعجب کردم ممکن نیست يك کاری که بدو سه نفر معین بشود بدون شور باشد چه رسد باینکه بیست و پنج نفر دخالت داشته باشند اگر کار یک هیئت می شود قهرآ مستلزم شورا است و در قرائت این ماده چند جا يك مسأله که محتاج شور و رسیدگی است ذکر کرده ام.

میگوید مجلس باستاد اشخاصیکه از این قانون معاف میشوند رسیدگی کرده حقانیت و ثبوت آثار معلوم کند - این رسیدگی بی ثبوت حقانیت بدون شور چگونه میشود؟ اگر مخصوص شخصی بود بک صاحب منصب میرفت و مثل حالا سر باز می گرفت اینک بیک هیئت می کول شده است برای اینست که مشاوره نمایند یکی از موارد مشاوره همان فقره پنج است که نوشته با دفاتر ارسالی وزارت جنگ با دفاتر نفوس محلی تطبیق شده اگر اختلاف داشته باشد رفع میشود.

رفع اختلاف با این هیئت است و البته لازم بشاوریه است و علی ای حال در این هیئت مشاوره خواهد شد و تصمیباتشان هم باید قید شود که با اکثریت آنها است و نیز باید قید شود که چه قدر از آنها اگر حاضر باشند رسماً و علناً افتتاح میشود یعنی با حضور چه عده مجلس رسمی و علنی میشود.

رفع اختلاف با این هیئت است و البته لازم بشاوریه است و علی ای حال در این هیئت مشاوره خواهد شد و تصمیباتشان هم باید قید شود که با اکثریت آنها است و نیز باید قید شود که چه قدر از آنها اگر حاضر باشند رسماً و علناً افتتاح میشود یعنی با حضور چه عده مجلس رسمی و علنی میشود.

مثلاً نصف بلاوه يك که حاضر شدند مشغول میشوند پنج نفر صاحب منصب که بمحلی میروند نباید برای يك کاری دو ماه معطل میشوند و قشبان تلف شود باید يك چیزهای قید شود که کارشان زودتر بگذرد ولی بیشتر مخالفت بنده در این فقره اول است که نوشته است توضیح شده

بعد عالمی که عضو مجلس است خطابه راجع بجهاد و نظام انشاء نموده بدهای دولت و ملت ختم مینماید. اولاً کلمه جهاد را بنده خواهش می کنم بدفاع تبدیل کنیم برای اینکه در زمان غیبت جهادی در این وقت جنگ است.

باسانی - بلی - بجهت بجای جهاد دفاع قید شود یا هرد نوشته شود بهتر است دیگر بدهای دولت و ملت ختم مینماید ما که قانون برای دعا گوئی نمی نویسیم!

بنده عقیده ام این است که این قسمت را حذف کنیم. (همه هم بین نمایندگان) باسانی - باید خطابه بخوانند مردم را تشویق و تحریک کند بسر بازی ولی بدهای دولت و ملت دیگر لزومی ندارد.

که يك چیزهایی راجع باشخاص گفته شود. عصر شاه سلطمان حسین که نیست؟! عصر سردار سپه است باید این کلمات را دور انداخت.

مدرس - چون عصر سردار سپه است باید دعا کنند. مغیر - آقا مغیر ما بچه را این فقره از قانون حذف شود. کلمات هم ایراد میگیرند در صورتی که بنده قبل از وقت گفتن این راجع بنظامنامه نخواهد بود.

و اینکه راجع بشور فرمودند اینجانب بنده باید درست توضیح بدهم که سر باز گیری این عمل دو چیز است یکی راجع بسجل احوال خواهد بود و یکی راجع بوزارت جنگ.

آنکه راجع بسجل احوال و ترتیب نفوس است آن دفاتر است که ذکر شد و راجع بشبهه وزارت داخله است که سجل از آن طرف مستول و مأمور تطبیق مطابق نظامنامه وزارت جنگ مأمورین سر باز گیری خواهند بود و آنها از روی يك دیسبلین معین دستورات معینی رفتار خواهند کرد.

اگر يك اشتباهاتی راجع به تمام قضایاییکه در اینجهت راجع به حاضر شدن و طفره و تمام اینها باشد از روی همان دفاتر بسجل احوال معلوم خواهد شد و تمام

این قضایا بتوسط مأمورین سر باز گیری انجام میگیرد که با اصطلاح نظام (دیو) میگویند. صورت دفاتر را خواهند داشت و يك صورت هایی از دفتر بسجل احوال خواهد بود و در موقعیکه یکمچو مجلس هم بیست و پنج نفری تشکیل شود.

اوراق و دفاتر اینکار را حاضر میکنند و میآورند و میگذارند آنها در آنجا فقط عن فرعه کشیدن را انجام خواهند داد. فرعه میکشند و معین خواهند کرد که چند نفر از هر مجلس باید سر باز شوند و تمام این قضایا دستورات حاضر شده بمجلس سر باز گیری میآید چنانکه در همه جا معمول است.

و این مجلس سر باز گیری نامحکمه است و نه در آنجا يك شور های مفصلی خواهد شد. چون تمام قضایا حاضر کرده پیش آنها خواهند بود و صورتهای آن چه از طرف وزارت داخله و چه از طرف وزارت جنگ تهیه شده به آنها خواهد آمد و الا تصور نفرمائید که آنجا يك مجلسی خواهد بود.

در آن مذاکراتی خواهد بود. این تقریباً مثل موقعی است که در انتخابات استخراج آراء میشود که شروع مینمایند بخواندن تمام امور مقدمات در وزارت داخله و وزارت جنگ تهیه و مرتب شده و بمجلس سر باز گیری مراجعه میشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. تدین - بنده مخالفم. نایب رئیس - بفرمائید.

تدین - بنده باصل ماده سی و سه کاملاً موافق هستم ولی چون آقای مغیر اظهار کردند که آن قسمت اول را پس می گیرم و اصلاح می کنم من با پس گرفتن آن جزء مخالفم.

اولاً آقای مغیر اظهار کردند که این مجلس هیچ شور ندارد و کارها را دیگران تهیه میکنند. نایب رئیس - در کفایت مذاکرات بفرمائید.

تدین - بلی بنده عرض میکنم يك عراضی دارم و چون يك مسأله را آقای باسانی و يك مسأله هم آقای مغیر که لازم است جواب داده شود.

مخصوصاً راجع بدعا گوئی و دعا و این ترتیبات باین جهت بنده مخالفم با کفایت مذاکرات. نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید. (عده قلیلی قیام نمودند) نایب رئیس - معلوم میشود حکم کافی

نیست. تدین - نوبت بنده است؟ نایب رئیس - خیر. آقای طهرانی (اجازه) آقای شیخ معدعلی طهرانی - بنده خیلی تاسف میخورم که آقایان مراجعه بمواد نمیکند و شروع بدفاع میکنند فقره دوم بنویسد.

مجلس باستاد اشخاصی که بر طبق فصل دوم این قانون معاف میشوند رسیدگی کرده پس از ثبوت حقانیت آنها در مقابل اسامی آنان الی آخر رسیدگی کرده یعنی چه؟ یعنی حالت مجسمه را دارند؟ یکمده که در آنجا هستند یا زنده یا بیست نفر یا بیشتر یا کمتر همه بصورت مجسمه نشسته اند؟

خیر مراجعه میکنند تطبیق میکنند با مواد نظامنامه و مواد این قانون اگر دیدند آن شخص ذیحق است و مجرم نیست حکم میدهند.

يك حکمی که نه استیناف دارد و نه تمیز و رسیدگی در آن موقع اهمیتش بیشتر از يك محکمه ابتدائی است زیرا محکمه ابتدائی ممکن است استیناف و تمیز هم داشته باشد و این مجلس حکمش قطعی است.

نائبان آن مسئله دعا گوئی که بدهای دولت و ملت ختم مینماید البته یکی از اصول قوه مذهب اسلام مسئله جهاد و دفاع است و البته شخصی که عالم است و جنبه روحانیت دارد باید دهای دولت و ملت اسلام را بکند این هیچ درش شبهه نیست لیکن این جزء نظامنامه است معلوم است خطابه ای که راجع بنظام و جهاد انشاء میکند البته در آن خطابه مؤسسات مذهبی و چیزهایی که مذهب در آن دخالت دارد مخصوصاً دفاع و جهاد را ذکر میکنند و دهای دولت و ملت اسلام البته در آن مندرج است دیگر لازم نیست که در قانون بنویسند.

نه این است که آقای باسانی گفتند که دعا نباید بشود البته تمام افراد مسلمین مکلفند باینکه نسبت ببقاء مسلمین و استقلال مسلمین دعا نمایند اما جزء قانون نباید باشد. این نظریه بنده بود دیگر اینکه بیانی که آقای مغیر فرمودند که فقط آتشیانی که نشسته اند مثل انتخابات استخراج آراء میکنند این کیفیت نیست انجمن هم آراء را استخراج مینماید پس از آنهم قضاوت میکنند و اگر يك ورقه را دید که برخلاف واقع است بدهی العموم میگوید این را تعقیب کن یا يك شخصی که فیر صالح بوده است برای انتحاب نسبت باوقضاوت میکند که این وکیل هست یا نیست او حق قضاوت دارد.

نائبان آن مسئله دعا گوئی که بدهای دولت و ملت ختم مینماید البته یکی از اصول قوه مذهب اسلام مسئله جهاد و دفاع است و البته شخصی که عالم است و جنبه روحانیت دارد باید دهای دولت و ملت اسلام را بکند این هیچ درش شبهه نیست لیکن این جزء نظامنامه است معلوم است خطابه ای که راجع بنظام و جهاد انشاء میکند البته در آن خطابه مؤسسات مذهبی و چیزهایی که مذهب در آن دخالت دارد مخصوصاً دفاع و جهاد را ذکر میکنند و دهای دولت و ملت اسلام البته در آن مندرج است دیگر لازم نیست که در قانون بنویسند.

نه این است که آقای باسانی گفتند که دعا نباید بشود البته تمام افراد مسلمین مکلفند باینکه نسبت ببقاء مسلمین و استقلال مسلمین دعا نمایند اما جزء قانون نباید باشد. این نظریه بنده بود دیگر اینکه بیانی که آقای مغیر فرمودند که فقط آتشیانی که نشسته اند مثل انتخابات استخراج آراء میکنند این کیفیت نیست انجمن هم آراء را استخراج مینماید پس از آنهم قضاوت میکنند و اگر يك ورقه را دید که برخلاف واقع است بدهی العموم میگوید این را تعقیب کن یا يك شخصی که فیر صالح بوده است برای انتحاب نسبت باوقضاوت میکند که این وکیل هست یا نیست او حق قضاوت دارد.

این نظریه بنده بود دیگر اینکه بیانی که آقای مغیر فرمودند که فقط آتشیانی که نشسته اند مثل انتخابات استخراج آراء میکنند این کیفیت نیست انجمن هم آراء را استخراج مینماید پس از آنهم قضاوت میکنند و اگر يك ورقه را دید که برخلاف واقع است بدهی العموم میگوید این را تعقیب کن یا يك شخصی که فیر صالح بوده است برای انتحاب نسبت باوقضاوت میکند که این وکیل هست یا نیست او حق قضاوت دارد.

اینجهت البته يك قضاوتی است منتهی قضاوت استقلالی بدون استیناف و تمیز پس بنا بر این نمیشود گفت آنها حق شور ندارند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. (بعضی گفتند کافی نیست) نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید.

(اکثر برخاستند) نایب رئیس - معلوم میشود کافی است. پیشنهادها قرائت میشود. (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - اضافه نمودن قسمت اول ماده مزبوره که مغیر محترم حذف آنرا پیشنهاد نمودند.

پیشنهاد آقای مشاور اعظم - نمایندگان محترم تصدیق میفرمائید که دعا را باید برای نیرومندی قنون کرد مؤسسات که مربوط بقشون است نمی تواند دعا گو باشد و بنا بر این پیشنهاد میکنم که دعا گوئی در ماده (۳۳) موقوف باشد.

نایب رئیس - ماده ۳۴ (شرح ذیل قرائت شد) ماده (۳۴) - فقره باید علنی و در حضور تماشاچیان کشیده شده با سهر کس اصابت قرعه در مقابل آتشخیز در دفتر ثبت و با مضای رئیس و منشی مجلس سر باز گیری میرسد.

بکسانیکه قرعه بنام آنها اصابت ننماید سند هم اصابت قرعه با مضای رئیس و ناظر مجلس سر باز گیری در روی ورقه مخصوص چاپی اعطاء خواهد شد این اشخاص بر طبق ماده شش جزو ذخیره محسوب خواهند شد.

وزیر فوائد عامه آن گله تماشاچیان تبدیل بحاضرین باید بشود. نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه) شرح بمتدار دامغانی - این ماده بنویسد بکسانیکه قرعه بنام آنها اصابت ننماید بر طبق ماده ۶ در جزء ذخیره حساب میشوند و این ماده و ماده منافی است با ماده (۲۴) که در روز مذاکره شد که اگر کسی بدو سرش قرعه اصابت کرد برای سر بازی و سر دیگری داشت میان دو برای قرعه بنامش اصابت نکرد جزو ذخیره محسوب میشود.

در صورتی که در ماده ۲۴ اورا برای قرعه دو سال بعد گذاشته اند و حال آنکه بموجب همین ماده و ماده وقتی قرعه بنام دو سر اصابت کرد پسران دیگر باید بمانند و جزو ذخیره محسوب شوند و تصور میکنم این ماده و ماده ۶ در موقع تنظیم ماده (۳۴) در نظر گرفته نشده دیگر اینکه

در صورتی که در ماده ۲۴ اورا برای قرعه دو سال بعد گذاشته اند و حال آنکه بموجب همین ماده و ماده وقتی قرعه بنام دو سر اصابت کرد پسران دیگر باید بمانند و جزو ذخیره محسوب شوند و تصور میکنم این ماده و ماده ۶ در موقع تنظیم ماده (۳۴) در نظر گرفته نشده دیگر اینکه

اینجا عبارت یکتدری خلل دارد نوشته و قرعه باید هفتی و در حضور تماشاچیان کشیده شده باسم هر کس اصابت قرعه در مقابل آن شخص در دفتر ثبت و با مضامین و منشی مجلس سرباز گیری میرسد در صورتیکه باید نوشته شود باسم هر کس قرعه اصابت کرد در مقابل اسم آن شخص در دفتر ثبت میشود مخبر - در اینجا آن ترتیبی که آقای دامغانی فرمودند صحیح است بواسطه اینکه اول که قانون چاپ شده بود همانطور بود که فرمودند ولی بعد با نظریه دولت اصلاح شد که دوسال بعد بیاید بقرعه و این ماده هم بعد اصلاح خواهد شد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کابینه

نایب رئیس - کافی است؟ بعضی از نمایندگان - بله کافی است؟ نایب رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم کلمه (تماشاچیان) حذف شود

(شرح ذیل خوانده شد) نایب رئیس - ماده ۳۰ (شرح آتی خوانده شد) ماده (۳۰) برای اجرای این قانون

نظامنامه مخصوص از وزارت جنگ و وزارت داخله تدوین و پس از تصویب مقامات مربوطه و توشیح آن خواهد بود

مأمور اجرای آن خواهد بود نایب رئیس - آقا دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - نظامنامه وزارت جنگ و وزارت داخله مینویسد غیر از آنها گمان نمی کنم مقامات مربوطه دیگری باشند که بتوانند آنرا تصویب کنند لفظ مقامات مربوطه بقرعه من باید برداشته شود و عوضش نوشته شود من از تصویب هیئت وزراء و توشیح آن بصدقه همایونی الی آخر

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده باین پیشنهاد آقای دامغانی موافقم بواسطه اینکه نظامنامه نایب رئیس - آقا سید یعقوب

باید حرف بزند وزیر قوا نامه - علاوه (وزارت مزبوره) باید اصلاح شود (وزارتین) نوشته شود برای اینکه یک وزارتخانه نیست

نایب رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (حاضر نبودند) نایب رئیس - آقای اشگر (حاضر نبودند) جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی

میتواند: در حوزة که قانون سجل احوال اجرا شود پس سرباز گیری اجباری شروع خواهد شد پس تماماً دو نوع حوزه خواهیم داشت یکی حوزه هائی که قانون سجل احوال در آنها اجرا شده است و دیگری جاهائیکه قانون سجل احوال در آنها اجرا نشده است

در جاهائیکه قانون سجل احوال اجرا شده است قانون نظام اجباری هم اجرا می شود و تمام جواهرائیکه پس بیست و یک سالگی رسیده اند باید سرباز شوند اما در نقاطی که هنوز قانون سجل احوال اجرا نشده تکلیف آنها چیست؟

آیا آنها را باید معاف کرد یا اینکه بر طبق همان بنیچه قدیم باید سرباز بمانند تا اینکه سجل احوال در همه جا اجرا شود و وقتی که قانون بطور عموم اجرا میشود بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - بنده با کفایت مذاکرات موافقم نایب رئیس - بفرمائید

باسامی - ابتلا مردم هم اش راجع باین ماده است با هر کلمه هر - اگر - مگر هر جا که در این قانون قید میشود ممکن است ده سال دیگر اجرای قانون نظام اجباری عقب بیفتد و بنده معتقدم که بغیر از اجراء قانون سجل احوال در مملکت شروع شود و متعاقب آن این قانون اجرا شود

این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

پیشنهاد آقای آقا شیخ هادی (شرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا شیخ هادی ۳۰ بجای تصویب مقامات مربوطه نوشته شود تصویب مجلس شورای ملی

پیشنهاد آقایان روحی و آقامیرزا آقاخان - نظامنامه اجرای این قانون را وزارتین جنگ و داخله باتوافق نظر تدوین کرده و پس از تصویب هیئت وزراء بوسیله وزارت جنگ موقع اجرا گذاشته خواهد شد

پیشنهاد آقای کی استوان - ماده ۳۰ اینطور اصلاح شود: وزارت جنگ باتفاق وزارت داخله این قانون را تهیه و از تصویب هیئت وزراء گذرانده بوضع اجرا می گذارند

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای ضیاءالواصفین - پیشنهاد نایب رئیس - بفرمائید

باسامی - ابتلا مردم هم اش راجع باین ماده است با هر کلمه هر - اگر - مگر هر جا که در این قانون قید میشود ممکن است ده سال دیگر اجرای قانون نظام اجباری عقب بیفتد و بنده معتقدم که بغیر از اجراء قانون سجل احوال در مملکت شروع شود و متعاقب آن این قانون اجرا شود

این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید این همه داد بیداد و شکایتها برای تبعیضات است که سرباز سمنانی را نبرند استرپاد دفاع کند خود استرپاد هیچ سرباز نداشته باشد و طوری باشد که اهالی گیلان را سرباز آذربایجانی حفظ نکنند و خود گیلانی هم شریک باشد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مقامات نوشته شود هیئت وزراء

دوره سنی داخل شوند مخبر - هر سنی که قابل سربازی شوند بتوانند بروند در آنجا خواه شانزده ساله باشند خواه هیجده ساله برای اینکه در نظامنامه راجع به قد و سینه یک ترتیبی دارد و آن شرایط را وقتی که دارا بود آنوقت داوطلب را قبول می کنند

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اضهاری نشد) ماده العاقبه پیشنهاد شده است قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد) پیشنهاد آقای امیرحشمت - دولت در هر سال عده ای را که لازم می داند جزء نظام شوند قیلاً معین نموده مطابق تقسیم عادلانه بشمار نقاط مملکت تقسیم می نمایند که در مهال معلوم باشد چه عده در این سال از آن محل بخدمت سربازی باید بروند و از بین همان عده قرعه کشیده عده لازم را تعیین خواهند کرد

نایب رئیس - پیشنهاد از آقای ضیاءالواصفین راجع بقبول رسیده قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد می نمایم - که فصول پنجگانه بترتیب ذیل تنظیم شود

فصل اول کلیات

فصل دوم معافیت از خدمت سربازی

فصل سوم قرعه

فصل چهارم داوطلب

فصل پنجم مجازات فراریان از قرعه و مساعدین با آنها

نایب رئیس - شورای اول نظام اجباری تمام شد

رای می گیریم باینکه داخل شور دوم بشویم

آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور دوم بشویم قیام فرمائید

نایب رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد راجع بدستور رسیده است

یکمده از آقایان تقاضا کرده اند لایحه سجل احوال مطرح شود ولی راجع آن داده نشده است

دو فقره پیشنهاد از آقایان رسیده است قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای امیرحشمت - دولت در هر سال عده ای را که لازم می داند جزء نظام شوند قیلاً معین نموده مطابق تقسیم عادلانه بشمار نقاط مملکت تقسیم می نمایند که در مهال معلوم باشد چه عده در این سال از آن محل بخدمت سربازی باید بروند و از بین همان عده قرعه کشیده عده لازم را تعیین خواهند کرد

نایب رئیس - پیشنهاد از آقای ضیاءالواصفین راجع بقبول رسیده قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد) پیشنهاد می نمایم - که فصول پنجگانه بترتیب ذیل تنظیم شود

فصل اول کلیات

فصل دوم معافیت از خدمت سربازی

فصل سوم قرعه

فصل چهارم داوطلب

فصل پنجم مجازات فراریان از قرعه و مساعدین با آنها

نایب رئیس - شورای اول نظام اجباری تمام شد

رای می گیریم باینکه داخل شور دوم بشویم

آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور دوم بشویم قیام فرمائید

طرح بیض نهادی آقای داور جزء دستور امروز شود

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد دیگر راجع به قانون بلدیّه رسیده است قرائت می شود

(شرح آتی خوانده شد) پیشنهاد آقای حائری زاده - بنده پیشنهاد میکنم راجع به قانون بلدیّه جزء دستور شود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم راجع به قانون بلدیّه مطرح شود

پیشنهاد آقای امیرحشمت - دولت در هر سال عده ای را که لازم می داند جزء نظام شوند قیلاً معین نموده مطابق تقسیم عادلانه بشمار نقاط مملکت تقسیم می نمایند که در مهال معلوم باشد چه عده در این سال از آن محل بخدمت سربازی باید بروند و از بین همان عده قرعه کشیده عده لازم را تعیین خواهند کرد

نایب رئیس - پیشنهاد از آقای ضیاءالواصفین راجع بقبول رسیده قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد) پیشنهاد می نمایم - که فصول پنجگانه بترتیب ذیل تنظیم شود

فصل اول کلیات

فصل دوم معافیت از خدمت سربازی

فصل سوم قرعه

فصل چهارم داوطلب

فصل پنجم مجازات فراریان از قرعه و مساعدین با آنها

نایب رئیس - شورای اول نظام اجباری تمام شد

رای می گیریم باینکه داخل شور دوم بشویم

آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور دوم بشویم قیام فرمائید

نایب رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد راجع بدستور رسیده است

یکمده از آقایان تقاضا کرده اند لایحه سجل احوال مطرح شود ولی راجع آن داده نشده است

دو فقره پیشنهاد از آقایان رسیده است قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای امیرحشمت - دولت در هر سال عده ای را که لازم می داند جزء نظام شوند قیلاً معین نموده مطابق تقسیم عادلانه بشمار نقاط مملکت تقسیم می نمایند که در مهال معلوم باشد چه عده در این سال از آن محل بخدمت سربازی باید بروند و از بین همان عده قرعه کشیده عده لازم را تعیین خواهند کرد

نایب رئیس - پیشنهاد از آقای ضیاءالواصفین راجع بقبول رسیده قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد) پیشنهاد می نمایم - که فصول پنجگانه بترتیب ذیل تنظیم شود

فصل اول کلیات

فصل دوم معافیت از خدمت سربازی

فصل سوم قرعه

فصل چهارم داوطلب

فصل پنجم مجازات فراریان از قرعه و مساعدین با آنها

نایب رئیس - شورای اول نظام اجباری تمام شد

تفسیر ماده ۶ قانون فوق الذکر تصویب نمود

ماده - ماده شش قانون ۱۶ جوزای ۱۳۰۱ شامل نمایندگان مجلس شورای ملی و کلیه اعضاء و اجزاء ادارات دولتی و مؤسسات شوروی و اجتماعی خواهد بود و آنها میتوانند در مدارس دولتی تدریس کرده و مثل سایر معلمین حقوق اوقات تدریس دودره تعطیل تابستان را دریانت دارند

مشروط بر اینکه در غیر ساعات اداری اوقات اشتغال رسمی تدریس نمایند

نایب رئیس - آقای امادالسلطنه (اجازه) عمادالسلطنه - بنده با این یکی راجع مخالفتی ندارم و مخالفت بنده راجع بآن یکی راجع است که هر دو در یکجا نوشته شده

فقط راجع باین راجع از آقای مخبر بیکتوبی می خواهم که بفرمائید که ساعات اداری مجلس چه وقت است

برای اینکه ساعات اداری مجلس نیست و اینجهم نوشته شده است غیر از ساعات اداری

خوب است آقای مخبر ساعات اداری مجلس را توضیح بدهند که رفع اشکال بنده بشود

شریعت زاده مخبر کمیسیون - ساعات اداری مجلس عبارت است از موافقی که نمایندگان در جلسه هفتی اشتغال رسمی دارند و همچنین در کمیسیون و شعبات

نایب رئیس - آقای کارزونی (اجازه) کارزونی - بنده نمایانم چه چیز واجب کرده است که مجلس شورای ملی برای این مطلب مخصوصه یک تجدیدنظری لازم داشته و بعد از تجدید نظر در کمیسیون مجلس پیشنهاد شده است و در شور هم باید بشود

اما این یکی از اصلاحات مملکتی است؟ یکی از مصالح عمومی است؟ یا یکی از احتیاج عامه است؟

نمیدانم گویا خلاصه اش این باشد که اگر بعضی از اعضاء محترم مجلس در جاهائی بخواهند بکوتیبه را قبول کنند بتوانند یک حقوقی بگیرند اصل مقصود گویا این است و بیچو تابش زانهاست

بنده عرض میکنم قسمتش این بود که چه موجب دارم مجلس تصمصم گرفته است تکلیف این طرح را معلوم کند

البته اگر یکتدری دقت میکردند تصدیق می فرمودند که مجلس شورای ملی بموجب ماده شش قانون شانزدهم جوزا

اگر اینطور است که خلاف صریح قانون است و گمان نمیکنم ما بتوانیم همچو چیزی را تصویب کنیم

بلاوه بنده عرض میکنم آقایان کاملاً مسیوق هستند که بیکاری سرتاسر مملکت را احاطه کرده مردم همه بی کار و بی نان معلم بسیار است و طبیب هم خیلی زیاد است

اگر یک کاری است بطور انحصار که از عهده کسی دیگر برنی آید مرکز عهده من و تنها من که نماینده مجلس هستم در این فن تخصص دارم آن وقت ممکن است گفت خیلی خوب من که تنها در این مملکت در این فن تخصص دارم یک حق دیگری هم بمن می دهند که بروم کار کنم

اما اگر دیگرانهم از عهده اینکار بر نمی آیند بگذارید برای دیگران و ماها همین مجلس برآید پس است بگذارید آن بیچاره ها هم یک استفاده بکنند

بلاوه آن ایامی که وکیل در مجلس است باید در مجلس کار کند و با استفاده آن ایام جزء ساعات خواب بنده ایام دیگری سراغ ندارم

زیرا همیشه باید حاضر خدمت باشد کمیسیون فوق العاده معینه میشود شبهه منقعه می شود

و آنوقت اگر این نماینده رفت و با دولت کترات کرد که من در ساعت معین می آیم مرغاً خدمت میکنم و آن ساعت هم با کار مجلس تصادف کرد آنوقت اجازه میخواهد می گوید آقا من یک شغل خیلی لازم دارم و اجازه می خواهم و کمیسیون عریض هم تصدیق می نماید یا علی مدد

نایب رئیس - آقای عدل الملک (اجازه) عدل الملک - عرضی ندارم

مخبر - اگر چه این مطلبی را که می خواهم عرض کنم شاید مخالفه عمل آقای کارزونی باشد ولی لازم می دانم بایشان تذکر بدهم باینستند اینکه مجلس محل مباحثه در مسائل نظری است نمیتوان توضیحات را طوری

حق داده است بستن دولت که در غیر ساعات کار اداری بشل معلمی اشتغال داشته باشند و از حقوق هم استفاده نمایند بر طبق این قانون و این مجوز قانونی يك عده از اشخاصی كه تخصص و صلاحیت داشته اند مدارس دولتی تشخص دادند كه از وجود آنها می توانست استفاده كند آنها را به معلمی دعوت كردند .

حالا يك مشكلاتی پیدا شده است كه می گویند چون شما مستخدم دولت هستید نباید دو حقوق بگیرید .

در صورتی كه آن خدمت در مدارس در ساعاتی بوده است كه هیچ وجه منافی با مواضع اشتغال رسمی آنها نبوده است هیچ دلیل و نظری نیست كه در این صورت تأخیر شود در تادیه حقوقی كه بر حمت آنها در مدارس تعلق می گیرد .

و تأخیر كندگان هم استنادشان بر ماده شش بوده است در صورتی كه ماده شش دارای این معنی نیست و چون خیلی مقاومت کرده بودند بالاخره يك عده از آقایان محترم برای این كه این اشخاص در مدارس تدریس کرده اند و زحمات كشيده اند و عده از آنها هم دچار سختی هستند به شان پرسند يك طرحی تقديم کرده اند و در کمیسیون هم نعت مدافعت در آمد و معلوم شد كه اصطلاحك با هیچ قانونی ندارد و از این نقطه نظر كمسیون خبری تقسیم کرده است و البته مجلس در قضایائی كه مطرح می شود باید تكلیفش را معین كند خاصه نسبت به سالی كه نامدی مربوط است به اوضاع زندگانی اشخاصی كه اشتغال بكار دارند و زحمت می كشند .

قسمت دیگر از اظهاراتشان این بود كه اگر مقصود این است اعضاء محترم مجلس شورای ملی كه بعضی هاشان اشتغال بعملی دارند آنها از این حق استفاده كند .

عرض می كنم بهمان دلالتی كه قانون گذار در باره مستخدمین دولتی تصدیق کرده است اساساً اشكالی بنظر نمی رسد كه اگر يك نفر از اعضاء محترم مجلس شورای ملی هم كه صلاحیت برای خدمت معارفی دارد در غیر ساعات رسمی خودش معلمی کرده باشد و حقاً بتواند استفاده نماید و این مسئله بر حسب تعویض و گنایه نمیتواند باشد .

قسمت دیگر كه فرمودند می كاری سر تا سر مملكت را گرفته است و معلمین هم زیاد هستند .

قسمت اول را شاید بنده تصدیق كنم و امیدوارم در تحت تأثیر اقدامات مجلس شورای ملی باین قسمت از گرفتاری های عمومی خانه داده شود .

اما این كه معلمین زیاد هستند بنده تصور نمی كنم هر كسی كه گفته شد معلم است برای همه كار خوب باشد .

هر معلمی برای يك كار مخصوصی خوب است .

در این صورت اگر فرض نمایم در مجلس شورای ملی يك نفر از اعضاء محترم مستخدم در علم طب باشد یا متخصص در علم حقوق باشد در وقتي كه مملكت احتیاج ب تدریس او داشته باشد در قریب کار اداری این وظیفه را انجام كند گفته شده معلم زیاد است و هر كس دارای این عنوان است میتواند كار او را انجام دهد اینطور نیست .

بعلاوه تردیدی نیست كه زمامداران و اشخاصی هم كه مأمور هستند همانطور كه ما علاقه داریم بكارها آنها هم می تواند در تادیه حقوقی را برای معلمی ده - و ت كندند .

قسمت دیگر راجع بود باینكه نمایندگان باید همیشه در مجلس حاضر خدمت باشند البته نمایندگان برای این منتظر شده اند كه هر وقت لازم باشد در مجلس خدمتی را انجام كند حاضر باشند .

ولی این مسئله موجب این نیست كه ما بگوئیم در تمام اوقات نمایندگی هیچ وقتی برای آنها بدست نیاید كه در يك مدرسه معلمی بكنند و راجع به اینکه میفرمایند چون موظف هستند نمیتوانند حقوق بگیرند این را بنده نمیفهمم از چه نقطه نظر است اگر از نقطه نظر استدلال و فلسفه جدیدی است ممكن است طرح جدیدی بدهند و اگر از نقطه نظر قانون شانزدهم جزوای ۱۲۰۱ است كه این قانون نسبت به مستخدمین دولتی كه باید تابع يك سیستمی و نظامات خاصه باشند بیشتر باید طرف توجه باشد .

در صورتیكه نسبت بآنها این قانون ممنوعیتی را تصدیق نكرده است كه اگر در غیر ساعات اداری خودشان تدریس كند حق الزمه حق ندارند بگیرند بنده نفهمم چه طور در صورتیكه مستخدمین دولت این حق را دارند نمیتوانیم بگوئیم نمایندگان ملت در صورتیكه بتوانند در غیر ساعات اداری كار كند از این حق محرومند در هر صورت بنده از برای مخالفت نمی بینم .

كازرونی - اصل سی و دوم قانون اساسی را بخوائید شریعت زاده مضرب - خودتان بخوائید به بینم چه چیز است .

نایب رئیس - آقای وكيل الملك (اجازه)

وكيل الملك - مخالفت بنده در آن قسمت نیست كه اگر احتیاجاتی برای مملكت واقع شود دو ساعت سه ساعت شش ساعت كار یا خدمتی بيك كسی رجوع كند ولی اینجا در اصل سی و دوم قانون اساسی بطور کلی ممنوع کرده است و عبارتش هم به

اندازه واضح است كه تغییر بردار نیست و هیچ نمیشود تردیدی كرد .

اصل سی و دوم مینویسد چنانچه بيكی از وكلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منقل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفاي از شغل دولتی و انتعاب از طرف مملت خواهد بود . در این صورت بنده نمیدانم چه طور میشود باین مسئله رأی داد .

شیروانی - ادارات دولتی غیر از مدرسه است .

نایب رئیس - آقای وكيل الملك (اجازه)

وكيل الملك - عرض می كنم جمعی از نمایندگان - معذرت می كنم - مساوات بنده مخالفم نایب رئیس - بفرمائید مساوات نتیجه این مسئله تغییر بيكی از مواد قانون اساسی است و به این سهولت نباید صحبتش را تمام كرد زیرا مسئله مهمی است این شخص یا مستخدم دولت خواهد بود یا وكيل ملت و بالاخره باید معین نمایند آنوقت رأی بدهند اگر معلم است و در دوائر دولتی معلمی ميگند رسماً قانون استخدام شاملش میشود آنوقت این را وكيل ملت نمیشود گفت این است كه بنده باین زودی قبول كردن كفايت مذاكرات را صلاح نمیدانم و این موضوع را مخالف با قانون اساسی میدانم .

نایب رئیس - رأی میگیرم ب كفايت مذاكرات آقایان موافقین قیام فرمائید (عده كثری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد حالا باید رأی گرفت برای شور دوم .

تدین - بنده يك ماده العاقبه پیشنهاد کرده ام .

نایب رئیس - ماده العاقبه كه پیشنهاد شده است قرائت میشود بعد رأی میگیرم برای شور دوم (اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میكنم كه ماده مذکور بعنوان ماده العاقبه تصویب شود ماده العاقبه همچنین اعضاء هیئتهای شوروی میتوانند در غیر ساعات اشتغال رسمی خدمات طیبی را برای دوائر و ادارات دولتی انجام داده و حقوق دریافت دارند .

نایب رئیس - ارجاع میشود ب کمیسیون .

رأی میگیرم برای دخول در شور دوم آقایان كه موافقت قیام فرمائید (عده قلی قیام نمودند)

نایب رئیس - لایحه در خدمت پیشنهاداتی كه قبلاً رسیده بود قرائت شد پیشنهاد هائی هم راجع به دستور جلسه آتی رسیده است قرائت میشود (پیشنهاد آقای وكيل الملك بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میكنم راه بندر جزر را در مرحله اولی قرار دهند .

تدین - بنده پیشنهاد ختم جاسه را میكنم .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

وكيل الملك - بنده برای جلسه آتی این پیشنهاد را كردم .

نایب رئیس - آقای وكيل الملك توضیحی هم دارید ؟

وكيل الملك - اگر مخالفی نیست عرضی ندارم .

آقای شيخ محمد علی تهرانی - بنده مخالفم .

عادل الملك - عرض كنم كه این پیشنهاد بيك دلیل خاصی متعلق شد و آن این بود كه گفته شد رئیس كل مایه در آن نظری نكرده است و مطابق ماده ششم از اختیارات ایشان مقتضی بوده است كه نظر ایشان جلب شود و بالاخره توضیحات آقای وزیر فرائد نامه و سایر اطلاعاتی كه بمجلس رسید كاشف از این بود كه ایشان نظر شوروی خود را در این موضوع اظهار كرده اند .

حالا بنده میخواستم عرض كنم كه آقایان يك توجهی بفرمائید .

آقای مسعود الملك كه تقریباً يك زندگانی خیلی وسیعی در آن حدود دارند و بایستی پس رپرستی زندگانی خودشان هم بر سر دست مدتهاست در طهران آمده اند و عقب این كار افتاده اند .

با این حرفهائی كه متصل راجع با اقتصاد بین ماها ضرب المثل است و همه به آن اصل متوجه هستند این شخص هم يك نفر ایرانی است كه آمده است و میخواهد يك مقدار از راه را در حدود خانه اش تعمیر و تسطیح كند .

بنا بر این بیش از این خوش نیست كه در اینجا معطل بماند و البته آقایان هم كاملاً تصدیق میفرمائید كه این قضیه هم چندان كاری ندارد و يك قسمت خیلی كمش باقی مانده است .

نایب رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - عرض میكنم مطابق اطلاعاتی كه بنده پیدا کرده ام دولت سه میلیون محل پیدا کرده است .

بعضی از نمایندگان - از كجا ؟

روحی - اجازه بفرمائید .

دولت عهده دار است كه از سال آینده راهها را تسطیح كند و باج ها را موقوف كند .

آلان يك مقداری از باجها را موقوف کرده است كه بنده نسبت به هم خودم از دولت تشكر میكنم پس چرا باین ترتیب يك تشكر مردم را يك مدت زیادی بر حمت بیندازم در صورتیكه وظیفه دولت است كه با

پول خودش راهها را بسازد و باج هم بگیرد بنا بر این بنده با هر باج راه و با هر تسطیح راهی بشیر دولت مخالفم و عقیده ندارم تا قوانین مهم از قبیل سجل احوال و قانون بلديه و سایر قوانین است اوقات مجلس صرف این قوانین شود .

نایب رئیس - رأی می گیریم .

عادل الملك - بنده يك توضیحی دارم .

نایب رئیس - توضیح دادید .

رأی میگیریم به پیشنهاد آقای عدل الملك کسانی كه موافقت قیام فرمائید (عده كثری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد .

آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بگریم ساعت بیشتر نگذشته كه قانون نظام اجاری شوراولش تمام شده حالا بنده مخالف بودم در هر حال مجلس رأی خودش را داده است و بالاخره اجرای این قانون موقوف به بودن قانون سجل احوال است و مجری قانون سجل احوال هم بلديه ها هستند .

در مجلس اول يك قانونی برای بلديه ها نوشته شد ولی بموقع عمل گذاشته نشده در دوره سابق تصمصم گرفته شد كه يك تجدید نظری در آن قانون بشود .

كمیسیون مجلس چهارم راپرت داده ولی چون آخر مجلس بود مطرح نشده در این دوره باز در کمیسیون مطرح مذاكره آقایان بود ما است .

مدت کمیسیون هم چهاردهم حمل منقضی میشود اگر جزو دستور گذارده نشود باز این راپورت را کمیسیون بنده باید تجدید نظر كند و بالاخره پسر در این دوره تسبیحود این بود كه استعفا كردم در درجه دوم این قانون جزو دستور شود .

نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا مخالفید .

سلیمان میرزا - خیر بنده يك پیشنهادی دارم .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - ما يك قوانین مهمی كه نداریم باید از مجلس بگذرانیم قانون بلديه داریم چیزی كه هست محتاج بيك تجدید نظر است اما سایر قوانین را نداریم و باین آنها را بگذرانیم هزار ها قانون برای مملكت ما لازم است .

دیگر اینکه قانون بلديه را كه از کمیسیون آمده آقایان ندیده اند يك قانونی است باین قطر (اشاره بادودست) شما هزار قانون مهمتر از قانون بلديه دارید ولی قانون بلديه جزو قوانین مهم نیست .

قانون نظام اجاری دارید و چندین قانون مهم دیگر شما آن قوانینی كه دارید لازم نیست تجدید نظر كنید . آن

قوانینی كه برای برای مملكت لازم است آنها را بگذرانید و جلو بیندازید و بنا بر این بنده با این طریق مخالفم مگر اینکه آقای حائری زاده كه خیلی اصرار بگذشتن این قانون دارند يك پیشنهادی بفرمائید بطور طرح قانونی كه همین قانونی را كه کمیسیون تصویب کرده و راپرت داده است بموقع اجرا بگذارند و برای مملكت هم هیچ ضرری ندارد .

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حائری زاده آقایان كه موافقت قیام فرمائید .

عده كثری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد پیشنهادات دیگرى هم رسیده بيكی راجع به سجل احوال و دیگری راجع بطرح قانونی تاریخ رسی ایران از طرف آقای تقي زاده و شاهزاده سلیمان میرزا این دو فقره هم قرائت میشود .

پیشنهاد شاهزاده نصرت الدوله - پیشنهاد میكنم بقیه قانون سجل احوال در درجه دوم باشد .

نایب رئیس - قانون سجل احوال هنوز از کمیسیون خبرش داده نشده و چون باید طبع و توزیع شود شاید برای جلسه آتی حاضر شود .

آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - اولاً در کمیسیون این قانون تمام شده و يك نقص مختصری داشت كه امروز صبح در موقع تنفس مذاكره شد و متفق علیه شد علاوه يك چیزی كه باید آقایان توجه بفرمائید این است كه قانون سجل احوال يك قانونی است كه تمام شده و شور و دم آن شده است فقط دو یاسه ماده آن ارجاع ب کمیسیون شده کمیسیون هم در آن مواد نظریه خود را اتخاذ کرده همانطور كه آقای حائری زاده فرمودند بنده هم تصدیق میكنم كه قانون بلديه يك قانونی است كه ما باید تكلیف آرمین كنیم هم از نقطه نظر قانون نظام اجاری و تهیه زمین برای اجرای آن هم از نقطه نظر خود قانون سجل احوال و از نقطه نظر اینکه كاری كه تمام شده ناقص نماند .

بنده تقاضا میكنم این دوسه ماده كه بیش از بیست دقیقه معطلی ندارد این را تمام بفرمائید بعد قوانین دیگر مطرح شود و حتی اگر نظامنامه به بنده اجازت میداد عرض میكردم كه این دو ماده مقدم بر قانون بلديه شود زیرا يك وقت طولانی باید درش مذاكره كرد و بالاخره در بیست دقیقه و نیم ساعت و يك جلسه تمام نخواهد شد حالا بستم است بنظره آقایان

نایب رئیس - آقای كازرونی (اجازه)

كازرونی - اولاً همانطور كه از

طرف مقام ریاست اظهار شد قانون سجل احوال طبع و توزیع نشده كه ما مطالبه کرده باشیم و تا زمانیکه طبع و توزیع نشده نمیشود و علاوه مجلس رأی داد كه در مرتبه دوم قانون بلديه جزو دستور شود حالا اگر برای بعد از تنفس پیشنهاد بفرمائید بنده چندین مخالفی ندارم .

نصرت الدوله - اصلاح میكنم پیشنهاد خود را و بعد از تنفس پیشنهاد می كنم .

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد باین اصلاح .

دست غیبی بنده اخطار نظامنامه دارم .

نایب رئیس - بفرمائید .

دست غیبی - این رأی را نمی شود حالا گرفت برای اینکه قبل از توزیع نمی شود گفتگوی طرح لایحه در مجلس بیاید و باید بعد از توزیع باشد یا اصلاح یا خبر کمیسیون بعد از آنكه طبع و توزیع شد .

نایب رئیس - چون ممكن است قبل از بیست و چهار ساعت طبع و توزیع شود اگر چنانچه قبل از بیست و چهار ساعت توزیع شد مطرح میشود و بالاخره برخلاف نظامنامه نیست ممكن است توزیع شود و برای پس فردا حاضر باشد رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نصرت الدوله آقایان موافقین قیام فرمائید .

عده كثری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای تقي زاده و شاهزاده سلیمان میرزا راجع بتاریخ ایران .

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای تقي زاده - این جانب پیشنهاد میكنم كه طرح قانونی راجع به تاریخ رسمی ایران جزو دستور جلسه آتی شود .

پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا چون ماههای جلالتی يك ماده بیشتر نیست و وقت هم در شرف اختتام است لذا تقاضا می نمایم جزو دستور روز سه شنبه قرار داده شود .

نایب رئیس - آقای تقي زاده (اجازه)

تقي زاده - بنده ابتدا اجازه خواستم و میخواستم عرض كنم كه همه پیشنهادها را پشت سر هم بخواهند تا آقایان متوجه شوند هر كدام مهتر است رأی بدهند و البته آقایان تصدیق میفرمائید كه این قانون يك خصوصیتی دارد كه در هیچيك از قوانین نیست چون مقصود این است كه از روز اول حمل اجرا شود و در این شب عید خیلی مبارك است كه این قانون جدید بگذرد و بترتیب سال شمسی تازه رایج گردد و خودش هم يك ماده است و در کمیسیون معارف تمام شده . و بنده میخواستم

پیشنهاد كنم چون فوریتش هم تقاضا شده است بیش از همه مطرح شود .

نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بعد از بیانات آقای تقي زاده توضیحی ندارم و عرض میكنم چون چند روز بیشتر باول نوروز نداریم اگر آقایان توجه بفرمائید روز سه شنبه این قانون تمام شود بهتر است و عملی خواهد شد .

نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده مخالفم پس از اینکه مجلس رأی داد در درجه اول بندر جزر و بعد قانون بلديه و بعد هم سجل احوال اولاً دیگر وقتي باقی نخواهد ماند و ثانیاً این پیشنهاد آنقدرها اهمیت ندارد كه اساسی عربی را فارسی فرار بدهند در مقابل اقتصادیات بودجه .

و سایر قوانین مهمه تغییر الفاظ عربی به فارسی یا تركی بفارسی چندان مهم نیست و بنده معتقدم كه اهمیت سایر قوانین بیش از این قانون است .

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد .

دست غیبی چهارم مطرح شود .

سلطان العلماء - بنده اخطار نظامنامه دارم .

نایب رئیس - بفرمائید .

سلطان العلماء - عرض میكنم بنده عضو کمیسیون معارف هستم و هیچ نمیدانم كه باین خبر چه وقت رأی گرفته شود و چه وقت طبع و توزیع شد .

نایب رئیس - این اخطار نظامنامه نیست .

سلطان العلماء - طبع و توزیع نشده است .

نایب رئیس - معارف هستم و هیچ نمیدانم كه باین خبر چه وقت رأی گرفته شود و چه وقت طبع و توزیع شد .

سلطان العلماء - بنده اخطار نظامنامه دارم .

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - جزو دستور شدن راپرت کمیسیون قبل از طبع و توزیع منافی با نظامنامه نیست نظامنامه می گوید راپرتی كه بخواهد همین آن در مجلس مطرح شود بیست و چهار ساعت قبل از آن به بعد طبع و توزیع شود ما كه حالا نمی خواهیم جزو دستور گذاریم كه در این جلسه مطرح كنیم كه شما بفرمائید بیست و چهار ساعت قبل از توزیع شده رأی دادن برای جزو دستور شدن جلسه غیر از مطرح شدن در همان جلسه است و هیچ منافی با نظامنامه هم نیست و ممكن است در درجه چهارم جزو دستور قرار داده شود در صورتیكه قبل از بیست و چهار ساعت طبع و توزیع شد مطرح می شود والا میباید برای جلسه دیگر نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی

نیست میماند برای جلسه آتی

(مجلس نیساعت بعد از ظهر ختم شد) نائب رئیس مجلس شورای ملی

سهام السلطان

منشی علی اقبال الممالک

منشی معظم السلطان

جلسه صد و چهل و سوم

صورت مشروح مجلس

صبح سه شنبه بیست و هفتم

حوت ۱۳۰۴ مطابق بیست

و یکم شعبان ۱۳۴۳

مجلس دوساعت از نیم قبل از ظهر

بریاست آقای سهام السلطان

نائب رئیس تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم یکشنبه

بیست و پنجم حوت را آقای

آقای امیرزاده خواندند)

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه

مخالفی نیست ؟

آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - نظر من هست که

آقای رئیس جلسه قبل تشریف نداشتند

اسم ایشان را جزء قائمین بی اجازه

نوشته اند نه جزء غائبین با اجازه خوب

است تکلیف این مسئله معلوم شود

نایب رئیس - هیئتدر که در جلسه

حضور نداشتند معلوم میشود که تشریف

نداشته اند لازم با هم بردن در جلسه نیست

معمول هم نبوده است در صورت جلسه

مخالفی نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

نایب رئیس - یک پیشنهادی از طرف

جسی از آقایان راجع بدستور رسیده است

فرائت میشود

آقای سید یعقوب - بنده قبل از اجازه

خواست بودم

نایب رئیس - بفرمائید

آقای سید یعقوب - یک موضوعی

هست که بنده توجه آقایان نمایندگان

را به آن جلب میکنم و از مقام محترم بریاست

هم تقاضای کمیسیون وزارت مالیه تذکر

بدهند

حقیقتاً این مسئله خیلی باعث تعجب

است که راجع به مالیه و مامورین مالیه هر

چه در مجلس صحبت میشود که لااقل یک

اندازه جریان قانونی را ملاحظه و رعایت

کنند نباشد

پیرروز در روزنامهجات همه آقایان

خوانده اند که در ملایر و نویسرکان و آن قسمت

ها مامورین مالیه میروند مردم بندگان مالیات

پول بگیرند

ملت که سکه خانه ندارد پول هم که

ندارد

یک پولهایی که به دست آنها آورزان

است (انسان نمی تواند بگیرد پولهای

گوشه پسته بالاتر در این نمی توانم عرض

کنم

آن پولهای گوشه پسته را میدهند بدست مالیه از آنها قبول نمیکند و توی سرشان میزنند

فکر میکنید مجلس را توجه میدهم به حال این بدبختها آنها که جائی ندارند سکه بزنند

از کجا بیارند ؟ بنده بچه زبان عرض دهایی بدبخت را در این مجلس بگیرم آقایان نمایندگان ملت حافظین حقوق رعیت پولهای گوشه پسته وشکسته را مامورین

مالیه از راهای قبول نمیکنند آخریک توجهی بفرمائید وزیر مالیه یا نماینده مالیه بیاید اینجا جواب بدهد از کجا بیارند ؟

این رعایای بدبخت پول شکسته یا گوشه پسته که دارند چرا دولت نباید از آنها قبول کند ؟

این پولی است که سکه دولت را دارد ؟

بنده از مجلس بندای تضرع واستفانه تقاضای کمی که بدولت بگویند چه علت دارد که این اندازه مامورین مالیه ب مردم و رعایای تشار می آورند که قلوب همه را مجروح کرده اند

نایب رئیس - آقای اجاق (اجازه)

آقای سید حسن اجاق - عرض میشود یکسال است مفتخر که در مجلس همه را منتظره بودم که بوجه تفصیلی را که می آورند بنده یک توضیحی بدهم توضیحی

هم بخوام متأسفانه سال باخر رسید نه بوجه آمد و یک دوازدهم حمل آتی را هم پیشنهاد کرده اند

خواستم خاطر آقایان را متذکر و متعذر کنم که در ولایات چه مالیاتهای گرفته میشود

مالیاتی که را که زمان استبداد می گرفتند حالا هم میگیرند حرفی نیست زیرا یک مالیاتی بجای آنها وضع نکرده ایم که جای آن ها گذارده شود و آنها ملغی شود

حالا هر چه از زمان استبداد بود هر چه در زمان مشروطه میگردید آنها سر جای خودش ولی امتی مالیه که در ولایات میروند برای حسن خدمت خودشان هر کدام مالیاتهای وضع می کنند

من تقصیرم از کسی نمیگیرم تقصیر را از امتی مالیه میگیرم که میروند و مالیات وضع می کنند

من جمله در دسترو کلیاتی که یکی از معال کرمانشاهان است از آن جاها یک مالیاتهایی میگیرند سکه قبوضاتش اینجا هست

من چه از دوزم کرده ام از آنجا که از یکم روغن دوهزار از یک تکه نالی دوهزار

مرد که میروند و چهارهزار نقد میگرد وقتی میآید باوقبش می دهند و از او پول می خواهند

بنده این جا مراجعه کردم به وزارت مالیه که ببینم شاید اینها جزو تا کسها سابقان باشد دیمم جزو تا کسهای سابق نیست دو آنجاها به اسم اعطاسی یک مالیات هائی میگیرند و برای محافظت بازار یک مغارچی هم وزارت مالیه باید بکند و هیچ نمیدهند و محافظت دکانهاشان هم بخودشان است

وامتای مالیه میگویند باید تسام و جود در مالیه تر کز پیدا کند و بیاید به مرکز

در این زمستان خودشان شهامت محافظت دکانهاشان را می کردند و در دکانها کشیک می کشیدند با این حال از خان با اسم اعطاسی مالیات می گرفتند

این جا یک استاد و قبوضاتی هست مثلا مرد که یک تیکه نالی که بیارند به شهر بفرشند و دوقران باید مالیات بدهد بار هندیانه و خر پوزه را باید شاهمی مالیات بدهد حتی از کرد و مویر و از شیر مالیات میگیرند

یک چیز دیگری که مهم تر است عرض آقایان میرسانم و آن اخذ دلایلی مکاری است که در زمان استبداد در اکثر ولایات در خود شهر دلایلی مکاری را می گرفتند از هر باری که میخواستند از شهر خارج کنند دوقران و سه قران می گرفتند ولی حالا که کار دلایلی بجای رسیده که اگر یک تاجری از بغداد بکسره بار کند برای طهران دلایلی مکاری را در بغداد که هیچ معمول نبوده میگیرند در کرمان شاه سکه هیچ رسم نبود میگیرند

بعلاوه پارسال در قصر هم دلایلی مکاری اضافه کرده اند این است که بنده تذکر می دهم که باید بدولت تذکر داده شود مالیاتی که میگیرند و بفرمایند بگردد ما وکیل هستیم مردم هم از ما توقع دارند و هر روز هم بماتلگراف می کنند که چه باید بکنیم

هر امین مالیه هر مامور مالیه هر جا می رود یک مالیات های جدیدی وضع می کنند این است که خاطر آقایان را متذکر کردم

این هم استادی است که در دست بنده هست

یک مقداری از آنها را هم بوزارت مالیه داده ام حالا هم یک دوازدهم برج حمل را آورده اند که فراتر تصویب کنید اینها را از اینهم عرض نمیکنم

نایب رئیس - آقای آقا میرزا

مرد که میروند و چهارهزار نقد میگرد

وقتی میآید باوقبش می دهند و از او پول می خواهند

بنده این جا مراجعه کردم به وزارت مالیه که ببینم شاید اینها جزو تا کسها سابقان باشد دیمم جزو تا کسهای سابق نیست دو آنجاها به اسم اعطاسی یک مالیات هائی میگیرند و برای محافظت بازار یک مغارچی هم وزارت مالیه باید بکند و هیچ نمیدهند و محافظت دکانهاشان هم بخودشان است

وامتای مالیه میگویند باید تسام و جود در مالیه تر کز پیدا کند و بیاید به مرکز

در این زمستان خودشان شهامت محافظت دکانهاشان را می کردند و در دکانها کشیک می کشیدند با این حال از خان با اسم اعطاسی مالیات می گرفتند

این جا یک استاد و قبوضاتی هست مثلا مرد که یک تیکه نالی که بیارند به شهر بفرشند و دوقران باید مالیات بدهد بار هندیانه و خر پوزه را باید شاهمی مالیات بدهد حتی از کرد و مویر و از شیر مالیات میگیرند

یک چیز دیگری که مهم تر است عرض آقایان میرسانم و آن اخذ دلایلی مکاری است که در زمان استبداد در اکثر ولایات در خود شهر دلایلی مکاری را می گرفتند از هر باری که میخواستند از شهر خارج کنند دوقران و سه قران می گرفتند

ولی حالا که کار دلایلی بجای رسیده که اگر یک تاجری از بغداد بکسره بار کند برای طهران دلایلی مکاری را در بغداد که هیچ معمول نبوده میگیرند در کرمان شاه سکه هیچ رسم نبود میگیرند

بعلاوه پارسال در قصر هم دلایلی مکاری اضافه کرده اند این است که بنده تذکر می دهم که باید بدولت تذکر داده شود مالیاتی که میگیرند و بفرمایند بگردد ما وکیل هستیم مردم هم از ما توقع دارند و هر روز هم بماتلگراف می کنند که چه باید بکنیم

هر امین مالیه هر مامور مالیه هر جا می رود یک مالیات های جدیدی وضع می کنند این است که خاطر آقایان را متذکر کردم

این هم استادی است که در دست بنده هست

یک مقداری از آنها را هم بوزارت مالیه داده ام حالا هم یک دوازدهم برج حمل را آورده اند که فراتر تصویب کنید اینها را از اینهم عرض نمیکنم

نایب رئیس - آقای آقا میرزا

مرد که میروند و چهارهزار نقد میگرد وقتی میآید باوقبش می دهند و از او پول می خواهند

بنده این جا مراجعه کردم به وزارت مالیه که ببینم شاید اینها جزو تا کسها سابقان باشد دیمم جزو تا کسهای سابق نیست دو آنجاها به اسم اعطاسی یک مالیات هائی میگیرند و برای محافظت بازار یک مغارچی هم وزارت مالیه باید بکند و هیچ نمیدهند و محافظت دکانهاشان هم بخودشان است

وامتای مالیه میگویند باید تسام و جود در مالیه تر کز پیدا کند و بیاید به مرکز

در این زمستان خودشان شهامت محافظت دکانهاشان را می کردند و در دکانها کشیک می کشیدند با این حال از خان با اسم اعطاسی مالیات می گرفتند

این جا یک استاد و قبوضاتی هست مثلا مرد که یک تیکه نالی که بیارند به شهر بفرشند و دوقران باید مالیات بدهد بار هندیانه و خر پوزه را باید شاهمی مالیات بدهد حتی از کرد و مویر و از شیر مالیات میگیرند

یک چیز دیگری که مهم تر است عرض آقایان میرسانم و آن اخذ دلایلی مکاری است که در زمان استبداد در اکثر ولایات در خود شهر دلایلی مکاری را می گرفتند از هر باری که میخواستند از شهر خارج کنند دوقران و سه قران می گرفتند

ولی حالا که کار دلایلی بجای رسیده که اگر یک تاجری از بغداد بکسره بار کند برای طهران دلایلی مکاری را در بغداد که هیچ معمول نبوده میگیرند در کرمان شاه سکه هیچ رسم نبود میگیرند

بعلاوه پارسال در قصر هم دلایلی مکاری اضافه کرده اند این است که بنده تذکر می دهم که باید بدولت تذکر داده شود مالیاتی که میگیرند و بفرمایند بگردد ما وکیل هستیم مردم هم از ما توقع دارند و هر روز هم بماتلگراف می کنند که چه باید بکنیم

هر امین مالیه هر مامور مالیه هر جا می رود یک مالیات های جدیدی وضع می کنند این است که خاطر آقایان را متذکر کردم

این هم استادی است که در دست بنده هست

یک مقداری از آنها را هم بوزارت مالیه داده ام حالا هم یک دوازدهم برج حمل را آورده اند که فراتر تصویب کنید اینها را از اینهم عرض نمیکنم

نایب رئیس - آقای آقا میرزا

جواد خان

(اجازه)

آقای امیرزاده خواندند

نایب رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده فرائت می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

اعضای آنکه در آن ذیل تقاضای نمایم طرح قانونی ماههای باستانی را در قسمت اول دستور امر روز قرار دهند

عبدالملك - يك مرتبه ديگر فرائت شود

(شرح فوق فرائت شد)

نایب رئیس - مخالفی ندارد

آقای سردار عشایر (اجازه)

سردار عشایر - عرض می کنم ماها نباید تبدیل شود برای اینکه ما می توانیم اسم ماها مان را عوض کنیم

نایب رئیس - در این که این مسئله جزء دستور شود مذاکره می شود مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده فرائت می شود

(شرح ذیل فرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی تصویب می نماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی سالانه مملکت بترتیب ذیل معمول گردد و دولت مکلف است که در تمام دوائر دولتی اجرا نماید

الف مبدأ تاریخ : سال هجرت حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلوات الله علیه از مکه معظمه بدین طریقه

ب - آغاز سال - روز اول بهار

ج - سال - کسا کان شمس حقیقی

د - اسامی و عهده ایام ماهها

۱ - فروردین ۲۱ روز

۲ - اردیبهشت ۲۱ روز

۳ - خرداد ۳۱ روز

۴ - تیر ۲۱ روز

۵ - مرداد ۲۱ روز

۶ - شهریور ۲۱ روز

۷ - مهر ۳۰ روز

۸ - آبان ۳۰ روز

۹ - آذر ۳۰ روز

۱۰ - دی ۳۰ روز

۱۱ - بهمن ۳۰ روز

۱۲ - اسفند ۳۰ روز

تجربه - در غیر سنین کبیسه اسفند ۲۹ روز خواهد بود

ماده دوم - ترتیب سال شماری خطا و بیفوق که در تقویمهای سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود

رئیس - مذاکرات در کلیات است

آقای دامغانی (اجازه)

شریعت مدار دامغانی - تاریخهای که در این مملکت سابقه داشته است یعنی تاریخ شمسی

(البته معلوم است نظریه پیشنهاد کنندگان بماههای قمری و ماههای دیوانی نیست و این از نقطه نظر حفظ شاعر دیوانی باید حفظ شود)

عبدالملك - يك مرتبه ديگر فرائت شود

(شرح فوق فرائت شد)

نایب رئیس - مخالفی ندارد

آقای سردار عشایر (اجازه)

سردار عشایر - عرض می کنم ماها نباید تبدیل شود برای اینکه ما می توانیم اسم ماها مان را عوض کنیم

نایب رئیس - در این که این مسئله جزء دستور شود مذاکره می شود مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده فرائت می شود

(شرح ذیل فرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی تصویب می نماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی سالانه مملکت بترتیب ذیل معمول گردد و دولت مکلف است که در تمام دوائر دولتی اجرا نماید

الف مبدأ تاریخ : سال هجرت حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلوات الله علیه از مکه معظمه بدین طریقه

ب - آغاز سال - روز اول بهار

ج - سال - کسا کان شمس حقیقی

د - اسامی و عهده ایام ماهها

۱ - فروردین ۲۱ روز

۲ - اردیبهشت ۲۱ روز

۳ - خرداد ۳۱ روز

۴ - تیر ۲۱ روز

۵ - مرداد ۲۱ روز

۶ - شهریور ۲۱ روز

۷ - مهر ۳۰ روز

۸ - آبان ۳۰ روز

را در هر چهار سال یا پنج سال یکمرتبه حساب میگردند یعنی يك شبانه روز يك ماه اضافه میشود

والبته تصدیق بفرمائید با این ترتیب يك مدتشمی حقیقی میشود زیرا تمام ماهها را میروزگرفته اند

در صورتیکه سیر و توقف شمس با حرکت زمین در يك قسمت از منطقه البروج سی روز نیست کم و زیاد دارد اینهم فرضی است ولی در هر چهار سال یا پنج سال یکمرتبه مدتش با حمل منوائی میشود

تاریخ سومی که من حقیقت است همین بروج امروز است که حمل راسی و يك روز و جو را سی و دو روز مطابق همین بروجی که داریم میگیرند و این هم هر کس حقیقی شمسی است برای اینکه وقتی سکه بقول قضا شمس را در وسط فرض کردیم و منطقه البروج را به دوازده قسمت متساوی تقسیم کردیم هر قسمتش که مساوی شده بود و معانی بود با آن نوابی که از دور و شکل حمل یا نور دیده میشد همان اسم را رویش گذاشته اند

حالا با اصطلاح امروزها کار ندارم چون با اصطلاح قدما آشنا هم مانظور حرف میزنم

در هر صورت وقتی که آن قسمت مساوی میشد با آن ثوابت که دور نمایش شکل تور یا جوزا را داشت اسم آن قسمت را تورا جوزا می نامیدند یعنی مدار بیضی زمین و دایره را که زمین طی میکند و فضول اریبه را تشکیل میدهند

میشد آن روز را بعد میگردند سید و شصت و پنج روز و ربع الذکر سالشان بود و آن از آن کسر صرف نظر کرده و آن پنج روز و کسری را يك ماه تمام حساب میکنند آن را نوقت در هر سه و بیست سال یکمرتبه آن کسرها را يك ماه تمام حساب میگردند و آن سال سیزده ماه میشد

این يك تاریخ بود ولی نه ماهها و نه سالهاش شمسی حقیقی نبود زیرا از آن کسری صرف نظر میگردند

از اینکه گذشتیم يك تاریخ دیگری هست که در تقویم ما هست و آن تاریخ جلالی است که مال جلال الدین شاه سلجوقی

در آن تاریخ ماهها را سی روز گرفته اند و پنج روز هم خسته متره دارد

در واقع از کبیسه صرف نظر نکردند و پنج روز هم خسته گرفته اند و آن کسری که پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده ثانیه و چهل و هشت رابعه است بقول قدما شمس مدار خودش را در مدت سید و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده ثانیه و چهل و هشت رابعه طی می کرد

است و بقول جلالی حازمین مدار بیضی خودش را طی میکند

در حقیقت در تاریخ جلالی پنج روز و نیمه متره گرفته اند و آن ربع الذکر

را در هر چهار سال یا پنج سال یکمرتبه حساب میگردند یعنی يك شبانه روز يك ماه اضافه میشود

والبته تصدیق بفرمائید با این ترتیب يك مدتشمی حقیقی میشود زیرا تمام ماهها را میروزگرفته اند

در صورتیکه سیر و توقف شمس با حرکت زمین در يك قسمت از منطقه البروج سی روز نیست کم و زیاد دارد اینهم فرضی است ولی در هر چهار سال یا پنج سال یکمرتبه مدتش با حمل منوائی میشود

تاریخ سومی که من حقیقت است همین بروج امروز است که حمل راسی و يك روز و جو را سی و دو روز مطابق همین بروجی که داریم میگیرند و این هم هر کس حقیقی شمسی است برای اینکه وقتی سکه بقول قضا شمس را در وسط فرض کردیم و منطقه البروج را به دوازده قسمت متساوی تقسیم کردیم هر قسمتش که مساوی شده بود و معانی بود با آن نوابی که از دور و شکل حمل یا نور دیده میشد همان اسم را رویش گذاشته اند

حالا با اصطلاح امروزها کار ندارم چون با اصطلاح قدما آشنا هم مانظور حرف میزنم

در هر صورت وقتی که آن قسمت مساوی میشد با آن ثوابت که دور نمایش شکل تور یا جوزا را داشت اسم آن قسمت را تورا جوزا می نامیدند یعنی مدار بیضی زمین و دایره را که زمین طی میکند و فضول اریبه را تشکیل میدهند

میشد آن روز را بعد میگردند سید و شصت و پنج روز و ربع الذکر سالشان بود و آن از آن کسر صرف نظر کرده و آن پنج روز و کسری را يك ماه تمام حساب میکنند آن را نوقت در هر سه و بیست سال یکمرتبه آن کسرها را يك ماه تمام حساب میگردند و آن سال سیزده ماه میشد

این يك تاریخ بود ولی نه ماهها و نه سالهاش شمسی حقیقی نبود زیرا از آن کسری صرف نظر نکردند و پنج روز هم خسته متره دارد

از اینکه گذشتیم يك تاریخ دیگری هست که در تقویم ما هست و آن تاریخ جلالی است که مال جلال الدین شاه سلجوقی

در آن تاریخ ماهها را سی روز گرفته اند و پنج روز هم خسته متره دارد

در واقع از کبیسه صرف نظر نکردند و پنج روز هم خسته گرفته اند و آن کسری که پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده ثانیه و چهل و هشت رابعه است بقول قدما شمس مدار خودش را در مدت سید و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده ثانیه و چهل و هشت رابعه طی می کرد

است و بقول جلالی حازمین مدار بیضی خودش را طی میکند

در حقیقت در تاریخ جلالی پنج روز و نیمه متره گرفته اند و آن ربع الذکر

را در هر چهار سال یا پنج سال یکمرتبه حساب میگردند یعنی يك شبانه روز يك ماه اضافه میشود

والبته تصدیق بفرمائید با این ترتیب يك مدتشمی حقیقی میشود زیرا تمام ماهها را میروزگرفته اند

در صورتیکه سیر و توقف شمس با حرکت زمین در يك قسمت از منطقه البروج سی روز نیست کم و زیاد دارد اینهم فرضی است ولی در هر چهار سال یا پنج سال یکمرتبه مدتش با حمل منوائی میشود

تاریخ سومی که من حقیقت است همین بروج امروز است که حمل راسی و يك روز و جو را سی و دو روز مطابق همین بروجی که داریم میگیرند و این هم هر کس حقیقی شمسی است برای اینکه وقتی سکه بقول قضا شمس را در وسط فرض کردیم و منطقه البروج را به دوازده قسمت متساوی تقسیم کردیم هر قسمتش که مساوی شده بود و معانی بود با آن نوابی که از دور و شکل حمل یا نور دیده میشد همان اسم را رویش گذاشته اند

حالا با اصطلاح امروزها کار ندارم چون با اصطلاح قدما آشنا هم مانظور حرف میزنم

در هر صورت وقتی که آن قسمت مساوی میشد با آن ثوابت که دور نمایش شکل تور یا جوزا را داشت اسم آن قسمت را تورا جوزا می نامیدند یعنی مدار بیضی زمین و دایره را که زمین طی میکند و فضول اریبه را تشکیل میدهند

میشد آن روز را بعد می